

آموزش نکته به نکته و مجموعه سوالات طبقه بندی شده

حیطه عمومی

آزمون استخدامی آموزش و پرورش

به همراه سوالات
آزمون ۱۴۰۳

- ✓ درسنامه کلیه دروس
- ✓ بیش از ۱۱۰۰ تست استاندارد
- ✓ پاسخنامه تشریحی

تاریخ و فرهنگ تمدن

تعلیم و تربیت اسلامی

معارف و اندیشه های اسلامی و انقلابی

دانش سیاسی، اجتماعی و حقوق اساسی

توانایی های عمومی و ذهنی

فهرست مطالب

بخش عمومی

معارف و اندیشه‌های اسلامی و انقلابی

مبحث ۱: طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن	۹
فصل ۱: ایمان	۹
فصل ۲: ایمان از روی آگاهی	۱۱
فصل ۳: ایمان زاینده	۱۲
فصل ۴: ایمان و پابندی به تعهدات	۱۳
فصل ۵: نویدها	۱۵
سوالات مبحث یک:	۱۸
پاسخنامه:	۲۴

مبحث ۲: هم‌زمان حسین (ع)	۲۸
فصل ۶: بحث درباره امامت	۲۸
فصل ۷: اهمیت شناخته ائمه (ع)	۲۸
فصل ۸: فلسفه و هدف امامت	۳۰
فصل ۹: انسان ۲۵۰ ساله مبارز	۳۲
فصل ۱۰: دوران‌های چهارگانه امامت	۳۴
فصل ۱۱: برهه آغازین دوره چهارم	۳۶
فصل ۱۲: حیات سیاسی امام صادق (ع)	۳۷
فصل ۱۳: اقدامات حاد ائمه (ع)	۳۸
فصل ۱۴: امامزادگان انقلابی	۴۱
فصل ۱۵: تقیه	۴۲
سوالات مبحث دو:	۴۴
پاسخنامه:	۵۱

تاریخ و فرهنگ تمدن

مبحث ۳: خدمات متقابل ایران و اسلام	۵۵
فصل ۱۶: اسلام و ملیت	۵۵
فصل ۱۷: خدمات اسلام به ایران	۶۰
فصل ۱۸: خدمات ایران به اسلام	۶۸
سوالات مبحث سه:	۸۶
پاسخنامه:	۹۷
مبحث ۴: دستاوردهای انقلاب	۱۰۵
فصل ۱۹: موانع تحقق آرمان‌ها	۱۰۵
فصل ۲۰: اوضاع در دوران پهلوی	۱۰۵
فصل ۲۱: دستاوردهای انقلاب	۱۰۷
سوالات مبحث چهار:	۱۱۵
پاسخنامه:	۱۱۹

مبحث ۵: توسعه و مبانی تمدن غرب	۱۲۱
فصل ۲۲: مقالات شهید آوینی	۱۲۱
سوالات مبحث پنج:	۱۳۲
پاسخنامه:	۱۳۴

فهرست مطالب

بخش عمومی

تاریخ و فرهنگ تمدن

مبحث ۶: مبانی نظری تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی	۱۳۵
فصل ۲۳: مقدمه و مبانی اساسی	۱۳۵
فصل ۲۴: تبیین چیستی	۱۴۲
فصل ۲۵: تبیین چرایی	۱۵۷
فصل ۲۶: تبیین چگونگی	۱۶۱
سوالات مبحث شش:	۱۸۵
پاسخنامه:	۲۰۳

مبحث ۷: تعلیم و تربیت در اسلام	۲۱۶
فصل ۲۷: مبحث دبیران تعلیمات دینی	۲۱۶
فصل ۲۸: مبحث انجمن اسلامی پزشکان	۲۳۲
سوالات مبحث هفت:	۲۳۷
پاسخنامه:	۲۴۱

دانش سیاسی، اجتماعی و حقوق اساسی

مبحث ۸: قانون اساسی	۲۴۳
فصل ۲۹: اصول قانون اساسی	۲۴۳
سوالات مبحث هشت:	۲۵۹
پاسخنامه:	۲۶۴

مبحث ۹: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی	۲۶۸
فصل ۳۰: متن بیانیه گام دوم انقلاب	۲۶۸
سوالات مبحث نه:	۲۷۶
پاسخنامه:	۲۸۰

مبحث ۱۰: وصیتنامه الهی سیاسی امام خمینی (ره)	۲۸۳
فصل ۳۱: متن وصیتنامه امام خمینی (ره)	۲۸۳
سوالات مبحث ده:	۳۰۳
پاسخنامه:	۳۰۷

توانایی‌های عمومی و ذهنی

مبحث ۱۱: انواع هوش و توانایی‌های ذهنی	۳۱۰
فصل ۳۲: سنجش هوش	۳۱۰
فصل ۳۳: هوش کلامی - زبانی	۳۱۱
فصل ۳۴: هوش کلامی - منطقی	۳۱۶
فصل ۳۵: هوش کلامی - تحلیلی	۳۲۲
فصل ۳۶: هوش ریاضی - عددی	۳۲۶
فصل ۳۷: هوش ریاضی - هندسه	۳۳۱
فصل ۳۸: هوش تصویری	۳۳۴
سوالات مبحث یازده:	۳۳۷
پاسخنامه:	۳۷۴

متقی کیست؟

رهبانیون مسیحی، برای اینکه دامانشان به گناهان آلوده نشود، رهبانیت پیشه کردند و به غارها و بیغوله‌ها پناه بردند. خداوند در مورد رهبانیون مسیحی در قرآن می‌فرماید: **﴿وَرَهْبَانَةٌ ابْتَدَعُوا مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ﴾** رهبانیتی که آنان از خود درآوردند، به صورت بدعتی آن را ایجاد کردند؛ ما بر آنان رهبانیتی را ننوشته بودیم.

عالم اسلامی رهبانیت ندارد. یک فرد آگاه مسلمان، هر انسان مسلمان - که مسلمان بودن و مسئول بودن با یکدیگر لازم و ملزوم هستند - همین جور است؛ سعی می‌کند غریق را، وبازده را، بیمار را، نجات بدهد. او خودش را متقی می‌کند. زره لازم را می‌پوشد و وارد منطقه گناه می‌شود تا از گناه کاران دستگیری کند. با این معنا، تقوی وسیله پیروزی است

رحم خدا به چه کسی تعلق می‌گیرد؟

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ اطاعت از پیامبر را در کنار اطاعت از خدا آورده است تا اطاعت پیامبر را مصداق اطاعت از خدا بیان کند، وگرنه هر کسی می‌تواند ادعای اطاعت از خدا را داشته باشد. رحم خدا نیز در اینجا به ملتی تعلق می‌گیرد که عمل کرده‌اند و اطاعت کرده‌اند، نه کسانی که منطه ممنوعه خدا را زیر پا گذاشته‌اند. اطاعت خدا نیز یعنی؛ به تمام تکالیف عمل کنیم و حجت‌های الهی را بر دشمنان حمل کنیم؛ آنچه را که به عهده ما نهاده شده است، انجام دهیم.

﴿ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَزَجًا مِّمَّا قُضِيَتْ﴾ دستوری که تو صادر کردی، کمترین کدورتی بر روح و دل آنها بر جای نمی‌گذارد، **﴿وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾** تسلیم فرمان تو هستند. اگر ملتی این جور بود و تحت فرمان خدا قرار گرفت، به آقایی می‌رسد و رحمت خدا شامل حال او می‌شود.

غفران چیست؟

﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ سبقت بگیرید به سوی مغفرتی از سوی پروردگارتان. دین می‌گوید سرعت بگیر و مسابقه بده به سوی مغفرت پروردگار، بهشت برین. زمین و آسمان برای تو کوچک است، از همه چیز بالاتر مغفرت است

مغفرت الهی این نیست که فرد ظلمی، جنایتی، گناهی کرده خدا در روز قیامت به خاطر قطره اشکی یا توجه و توسلی او را ببخشد. غفران یعنی، التیام و پرکردن یک خلأ. غفران یعنی پر کردن جراحت و التیام بخشیدن به آن. هر گناهی، ضربتی بر روح وارد می‌کند. گناه، ضربتی است که روح را از تعالی باز می‌دارد. گناه شکافی در پیکره روان وارد می‌کند، روح را زخمی می‌کند، از کمال که غایت الآمال است، دور می‌کند، این گناه حالا باید مغفرت پیدا کند.

غفران یعنی، زخم روان و نقیصه‌ای که در نفس بوجود آمده برطرف شود. آن وقتی این عقب‌ماندگی جبران می‌شود که یک مقداری بالا برود.

مغفرت این نیست که خدای متعال بی حساب، از روی دلبخواه، یک کسی را مورد لطف بی جایی قرار بدهد، بدون اینکه خود او کوششی در راه این لطف الهی کرده باشد. **﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ﴾** سرعت بگیرید به سوی مغفرتی از پروردگارتان، **﴿وَجَنَّةٍ﴾** و بهشتی، **﴿عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ﴾** که پهنا و گستردگی آن به قدر آسمان ها و زمین است، **﴿أَعِدَّتْ﴾** آماده شده است، **﴿لِلْمُتَّقِينَ﴾** برای متقیان

خداوند لجباز نیست، غفار است. **﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ﴾** اما برای چه کسی؟ **﴿لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾** من بخشنده‌ام برای آنکه توبه کند. یعنی برگردد. پس حاضریم شما را ببخشیم؛ وقتی که مجدداً به راه درست برگردید

با تقوی کیست؟

با تقوایان چه کسانی هستند؟ **﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾** آن کسانی که انفاق می‌کنند در خوشی و ناخوشی. انفاق یک شرط با تقوا بودن است. انفاق با خرج کردن فرق دارد. انفاق خرج کردنی است که با آن خلأی پر بشود، نیاز راستینی برآورده شود. انفاق کار مردمان باهوش است، آنهایی که خلأها و نیازها را می‌فهمند و حاضرند آنها را پر کنند.

﴿وَالكَافِرِينَ الْغَيْظُ﴾ و فروبرندگان خشم. یعنی بر اساس احساسات کار نمی‌کند، همه جا عقل. قرآن نمی‌گوید، خشم را

فروبخورید، می‌گوید بر اساس خشم کاری انجام ندهید. وقتی خشم فرونشست، انسان می‌تواند با عقل، با درک، آنچه را که شایسته است انجام بدهد.

﴿وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾ گذرندگان از مردم، عفوکنندگان از خطاهای مردم. از لغزش‌های مردم باید گذشت، از آن گناهی نباید صرف نظر کرد که لغزش نبوده است. از عملی نباید گذشت که از روی تعمد و عناد انجام گرفته است. ﴿وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ﴾ آن کسانی که چون گناه بزرگی انجام دهند، یا بر خویشتن ستم کنند، فوراً به یاد خدا بیافتند. با تقوی کسی است که در وادی غفلت دیر نپاید. یاد خدا حربه‌ای است در دست ما علیه شیطان

﴿وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ بر آنچه که می‌دانند گناه است، اصراری نوزند. ﴿أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ﴾ این چنین کسانی که از تلاش و کوشش باز نمی‌ایستند، استغفار می‌کنند برای گناهان، اصرار نمی‌ورزند در راه خطا و خلاف؛ این چنین آدم‌هایی پاداششان مغفرت از سوی پروردگار است

انفال چیست؟

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ﴾ از تو می‌پرسند - ای پیامبر - در مورد انفال، پرسش می‌کنند که انفال برای کیست و حق کیست. انفال، یعنی ثروت‌هایی که به عموم مسلمانان متعلق است. مانند؛ درآمد مسلمانان از جنگ، معادن، جنگل‌ها، دشت‌ها و مراتع، به طور خلاصه، ثروت‌هایی که متعلق به یک فرد خاص یا به یک جمع خاص نیست و از آن تمامی ملت است

وقتی در جنگ بدر، مسلمانان بحث کردند که غنایم از آن کیست، آیه قرآن پاسخ داد: ﴿قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ انفال از آن خدا و از آن پیامبر است. مال خداست، یعنی متعلق به عده‌ی معینی از بندگان خدا نیست بلکه باید صرف چیزی بشود که از اهداف الهی است. پس آنچه مال خداست، در حقیقت مال بندگان خداست و باید در راه مصالحی که خدای متعال معین کرده است، صرف و خرج بشود.

پس «وَالرَّسُولُ» به چه معناست؟ رسول خدا در اینجا به عنوان رسالت و نبوت مطرح نیست، به عنوان حکومت الهی مطرح است. یعنی وقتی که رسول از دنیا رفت، امام همه کاره انفال است. امام یعنی حاکم الهی. بنابراین در روزگاری که امام معصوم بر مردم حکومت نمی‌کند، آن کسی که از جانب خدا می‌تواند و می‌باید بر مردم حکومت کند، همه کاره انفال است. به هر صورت، انفال در اختیار یک قدرتمند الهی یا همان حاکم اسلامی است. او در زمان وجود پیغمبر، رسول الله، پس از او امام معصوم است، اگر امام معصوم نباشد، امام عادل الهی؛ آن کسی که زمام حکومت اسلامی باید دست او باشد، و مسلط به انفال است

عمل مومن

پس از آنکه مصرف انفال را معین نمود، می‌فرماید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ اگر مومن هستید، این سه کار را انجام دهید: تقوای خدا پیشه کنید، میان خود را اصلاح کنید و فرمان ببرید خدا را و پیامبرش را. مسئله ایمان به همین خلاصه نمی‌شود که در قلب، انسان این گروش و گرایش و گرویدگی را داشته باشد.

آن وقتی ایمان به صورت راستین در فرد وجود دارد که به لوازم و تعهدات ایمان پایبند باشد. خدا در مورد مال، جان و عمر انسان، در مورد روابطش با خدا و سایرین وظایفی معین کرده است، اگر از خدا اطاعت کنید، مومنینید.

خصایص مومن

خداوند برای مومن پنج خصیصه معرفی کرده است. ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾ چون یاد شود خدا، به بیم آید دل‌هایشان. این دهشت و بیمناکی، ناشی از احساس عظمت او و احساس حقارت خویشتن در مقابل اوست. این چنین انسانی سعی می‌کند جز از آن خط سیر مستقیمی که خدای عالم برای او معین کرده، از راه دیگری سیر نکند

﴿وَإِذَا بُلِّغَ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾ نشانه دیگر مومن این است که وقتی آیات خدا بر او خوانده شوند، ایمانشان افزون می‌گردد. با تلاوت قرآن ایمان مومن باید زیاد شود. پس قرآن را باید ترجمه، معنا و تفسیر کرد تا با خواندن آن ایمان‌مان زیاد بشود

﴿وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ نشانه دیگر این است که مومن بر پروردگار خود توکل می‌کند. توکل یعنی در همه حال اتکاء و امیدت به خدا باشد. وقتی همه درها بسته می‌شود، برای انسان با خدا در دیگری در بن‌بست‌ها باز می‌شود؛ در توکل به خدا. در جنگ

أُخِذَ، وقتی دو گروه از دو طرف به مسلمانان حمله کردند، وقتی گفتند پیامبر کشته شده است، عده‌ای بی توکل فرار کردند، ولی علی (ع) ایستاد، این یعنی توکل. دو بال نیرومند برای پرواز انسان در زندگی، یکی صبر است، یکی توکل. هر امتی این دو بال را داشته باشد از تیررس دشمن‌های خاکی به دور خواهد ماند

چهارمین ویژگی مومن **«الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»** آنها که به پا می‌دارند نماز را. **«يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»** از نماز گذاردن تنها، بالاتر است. یک معنا این است که نماز را به صورت کامل انجام بدهد. آدمی که نماز خوب می‌خواند، همه مشکلات برایش آسان است. پیامبر در هنگام بحران‌ها به بلال می‌گفت: **«أَرِحْنَا يَا بَلَالُ»** ما را آسوده کن، برو اذان بگو. معنی دیگر این است که در جامعه به پا دارند و جامعه را نماز خوان کنند. هر کسی که نماز خوب بخواند ولی به دیگران کاری نداشته باشد، کامل نیست. جامعه نماز خوان یعنی آن جامعه‌ای که هر روز از سردمداران فساد، یعنی **«مَغْضُوبٌ عَلَيْهِ»** و از دنباله‌روان فساد، یعنی از **«ضَالِّينَ»** تبری می‌جوید. نماز اینهاست

«وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» نشانه دیگر مومن این است که از آنچه به آنان روزی کرده‌ایم انفاق می‌کنند. اسم مال در آن نیست، فرق نمی‌کند، از عمر، فرزند، آبرو و توان جسمی، زبان، فکر و مغز و همه امکاناتی که دادیم، انفاق می‌کنند. بعلاوه هر خرج کردنی هم انفاق نیست. انفاق باید خلئی را پر کند، دردی را درمان کند، نیازی از این جامعه مستمند را برطرف کند. آنچه که مایه مومن بودن و شرط و نشانه ایمان است، انفاق است

«أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا» اینان مومنان راستین هستند، غفران از آن اینهاست.

فصل ۲: ایمان از روی آگاهی



حقیقی در مورد ایمان

اولاً ایمان خصلت برجسته پیامبران خدا و مومنان و دنباله‌روان آنهاست. فرق میان رهبران الهی و رهبران سیاستمدار جهانی در ایمان است. مثلاً وقتی رهبران بی‌دین شوروی به هندوستان (پس از استقلالش) سفر کردند، نقش تیلاک که یک رهبر مذهبی و آزادیخواه هندو بود را بر پیشانی زدند. یعنی به چیزی تظاهر کردند که به آن ایمان نداشتند. ولی رهبران الهی، همواره همچون پیشاهنگان یک راه، پرچم بدست مشغول حرکت بوده‌اند و از همه جلوتر خودشان بودند. ایمان از خصوصیات پیامبران خدا است و یعنی باور، قبول و پذیرش با تمام وجود، باور به آنچه می‌گوید. نشانه باور داشتن این است خود پیشاپیش حرکت کند. قرآن می‌فرماید: پیامبر به آنچه از پروردگار به سوی او نازل شده ایمان آورده است و مومنانش، همگی به خدا و ملائکه و کتب آسمانی و رسولانش ایمان آوردند. پیامبران همگی ساربانان یک قافله‌اند و به سوی یک مقصد پیش می‌تازیده‌اند.

جاذبه ایمان

«وَقَالُوا سَمِعْنَا وَاطَعْنَا» شنیدیم، فهمیدیم، نیوشیدیم. **«سَمِعْنَا»** یعنی ما با تمام وجود فهمیدیم. **«وَاطَعْنَا»** یعنی ما از روی روشنی و آگاهی و سمع اطاعت کردیم. **«غُفِرَ لَكَ رَبَّنَا»** پاداشی که از تو می‌خواهیم خدایا، مغفرت توست و نه چیز دیگر. ایمان یعنی باور، به وضوح مطلب را پذیرفتن و قبول کردن، یعنی دنبال یک جاذبه حرکت کردن. اگر این جاذبه در مکتب دین و قرآن دل تو را تسخیر نکرده باشد؛ یعنی اگر ایمان در این دل نباشد، این دل مرده است و به نور اسلام زنده نیست

ایمان آگاهانه

ایمان دو جور است. یا ایمانی است از روی تقلید و تعصب؛ یعنی چون پدران ما باور داشتند، ما هم باور کردیم. یا اینکه از روی تعصب است. تعصب یعنی جانبداری بدون دلیل و از روی احساسات. این افراد چون کاری را مسلمانان انجام می‌دهند، درست و کاری که ادیان دیگر انجام می‌دهند غلط، می‌شمرند ولی دلیل و منطقی ندارند.

ایمانی که در اسلام ارزش دارد، مقلدانه و متعصبانه نیست. یک دلیلش اینکه، ایمانی که از روی تقلید یا تعصب باشد، به آسانی زایل می‌شود. (رهبر انقلاب در این جلسه ۱۳۵۳) ایمان نسل جوان را مایه امیدواری دانسته‌اند ولی نسل قبل از جوان را دارای ایمان‌های کور دانسته که از روی منطبق نیست).

اگر بخواهیم ایمان‌ها استوار باشد، اگر بخواهیم ایمان‌ها زائل نشود، ایمان آگاهانه باشد، باید دائماً آگاهی بدهیم به آن کسانی که می‌خواهیم مومن باشند.

این آیات از آخر سوره آل عمران ایمان آگاهانه را به ما معرفی می‌کند: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخِلْقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ در آفرینش آسمان‌ها و زمین، آمد و رفت شب و روز همانا نشانه‌هایی است، برای خردمندان. خردمند یعنی دارای نیروی فهمیدن و او همه مردمند، در صورتیکه فکر و هوششان را به کار ببندازند. از نظر قرآن، خردمند، ﴿أُولِي الْأَبْصَارِ﴾ آن کسی است که این عالی‌ترین ارزش‌ها را بیش از همه چیز و همه کس مورد نظر داشته باشد. آن کسانی خردمند هستند که در همه حال به یاد خدایند. ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ و می‌اندیشند در آفرینش آسمان و زمین، در حال تفکرند. و می‌گویند پروردگارا این را بیهوده نیافریده‌ای. این مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقطه یک ایدئولوژی است.

نقطه اساسی هر ایدئولوژی زندگی‌ساز این است که من اینجا برای کاری هستم. اساسی‌ترین نقاط یک فلسفه فکری که الهام بخش یک زندگی فردی و اجتماعی بشود همین است: ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾. الهی این زمین و آسمان را بیهوده نیافریدی. ﴿سُبْحَانَكَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ تو منزهی، پس ما را از شکنجه آتش محفوظ بدار.

اولی الالباب یا خردمند کیست؟

به اینجا می‌رسد که ﴿إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾ ما شنیده‌ایم و فهمیدیم، منادی را که برای ایمان ندا می‌کرد، می‌گفت به پروردگارتان ایمان بیاورید، آن وقت ما ایمان آوردیم. اینها همان اولی‌الباب هستند. منادی، به ظاهر پیامبر و در باطن، پیامبر عقل و تفکر و بینش آنهاست. پس از روی درک، بینش، شعور و با آگاهی کامل ایمان آوردند. اینجور ایمان مطلوب اسلام است.

مطلب سوم اینکه، خدای متعال ایمان ناآگاهانه را قبول ندارد و ارزشی برایش قائل نیست، چندین جای قرآن، این چنین ایمان کورکورانه متعصبانه مقلدانه، (که غالباً هم آدم را با مغز به زمین می‌کوبد) را به شدت توبیخ می‌کند. ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُم تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ﴾ چون به آنان (کافران و مرتجعان) گفته می‌شود که به سوی آنچه فرستاده شده و به سوی پیامبر بیاوید. به جای اینکه بیایند و فکر کنند، در جواب می‌گویند: ﴿قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا﴾ راه و رسمی که پدران خود را بر آن یافتیم، ما را بس. ما به دنبال این حرف‌های تازه نمی‌رویم. همه جا پیغمبر، روشنفکر زمان است، حرف نو دارد، اما کافران و مخالفان، متعصبان و مقلدان و متحجران و مرتجعانی هستند که راه نوی او را نمی‌پسندند.

قرآن پاسخ می‌دهد: ﴿أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ ولو پدراهایتان هیچ‌چیز نمی‌فهمیدند، باز هم شما از آنها تقلید می‌کنید؟ ببینید قرآن اینجا چه جور تقلید را شمات می‌کند

فصل ۳۲ لیلۃ الزلزال



ایمان بر طبق قرآن صرفاً یک امر قلبی نیست. قرآن هر باوری را به رسمیت نمی‌شناسد. اولین مومن به خدا شیطان است. ایمان شیطان در زمان انتخاب به کارش نیامد، ایمانش در همان دل ماند. ایمانی که در دل می‌ماند (حتی اگر نپوسد) و به اعضا و جوارح نمی‌آید، در فرهنگ قرآنی ارزشمند نیست.

ایمان زاینده، مثل سرچشمه‌ای فیاض عمل می‌زاید، همراه با تعهد، باری بر دوش مومن می‌گذارد و همراهش عمل است.

در قرآن دهها مورد ایمان همراه با عمل صالح آمده است. جایی قرآن می‌گوید: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ سست نشوید، غمگین نشوید، اگر مومن باشید از همه برترید. بعد در واقعیت می‌بینید مومنین به قرآن از همه برتر نیستند، بلکه جورکش همه هستند. وعده الهی حق است، اما قرآن ایمان را با عمل و تعهد همراه می‌داند. اگر فقط به تصدیق و پذیرش کلمه ایمان بود، اول مومن به پیغمبر ابولهب یا ولید بن مغیره مخزومی بود. آن هوشمندان عرب همان اول فهمیدند که پیامبر دروغ نمی‌گوید. آنها تصدیق می‌کردند که سخن پیامبر، کلام بشر نیست، ولی تصدیقشان با تعهد مناسبی همراه نبود. عمروعاص نیز می‌دانست علی (ع) بر حق است، ولی تعهدی به علی (ع) نداشت، به این خاطر شیعه نیست.

فرار از تعهد ایمانی

ولی انسان به دنبال راحت‌طلبی است، می‌خواهد راه آسان‌تر را برود. آن راه را توجیه می‌کند، برای رسیدن به بهشت با تنبلی فرمول درست می‌کند و پایش می‌ایستد. درحالیکه امام علی (ع) می‌گوید؛ شفاعت ما نمی‌رسد مگر به جد و جهد. قرن‌ها روی مغز مسلمانان کار شده که مومن بودن دل پاک لازم دارد، و نه عمل پاک. راحت‌طلبی‌های ما هم به این دست‌های مزدور کمک کرده است. از بعد از پیامبر این فکرها ترویج شد. می‌گویند معاویه وصیت کرده تا یکی دو بسته کوچک حاوی نکه لباس پیامبر و مو و ناخن پیامبر را در کفنش بگذارند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ﴿ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا﴾ رکوع و سجود کنید، در مقابل خدا خضوع کنید، ﴿وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ﴾ عبودیت کنید و عبادت پروردگارتان را، ﴿وَفَعَلُوا الْخَيْرَ﴾ نیکی به جای آورید، ﴿لَقَدْ كُنتُمْ تَفْلِحُونَ﴾ مگر موفق گردید، رستگار شوید.

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾ آنچنان که شایسته جهاد است، در راه خدا مجاهدت کنید. آن تلاشی که برای و در راه خدا باید انجام بگیرد، بایستی به نسبت عظمت خود خدا باشد

شرط دوستی خدا

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ﴾ اوست که شما را برگزیده است ای ملت اسلام! آیا این یعنی مسلمانان، تافته جدا بافته هستند و هر گناهی هم کردند، بهشت مال اینهاست؟ این اشتباه یهودی‌ها هم بود. قرآن در مقابل یهودی‌ها فرمود؛ این همه دوستی، در گرو این است که به فرمان خدا عمل کنید. خدا امت اسلام را انتخاب کرد، قبل از اسلام نیز بنی اسرائیل را انتخاب کرده بود، هر دو انتخاب، به معنی انتخاب آماده‌ترین فرد است برای بزرگترین کار

این مسئولیت را چرا به شما داده؟ ﴿لَيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ﴾ تا پیامبر بر شما گواه و مراقب باشد، ﴿وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ و شما بر مردمان و بر بشریت و بر خلق‌ها و توده‌ها مراقب و نگهبان و دیدبان باشید. ﴿فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾ پس به پا دارید نماز را ﴿وَأَتُوا الزَّكَاةَ﴾ و بدهید زکات را. ﴿وَأَتَصِمُوا بِاللَّهِ﴾ و متوسل شوید به خدا و آیین خدایی. ﴿هُوَ مَوْلَاكُمْ﴾ خدا سرپرست و نگهبان شماست. در این آیه، تعهدات ایمانی دیگری از نوع زکات، نماز و اعتصام به خدا مطرح شده است.

معنای هجرت در قرآن

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ همانا آن کسانی که ایمان آوردند، ﴿وَهَاجَرُوا﴾ و هجرت کردند. یعنی، یکباره از همه چیز به خاطر هدف، به خاطر پیوستن به جامعه اسلامی دست شستند. ﴿وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ با جان و مال، به جان و مال، در راه خدا مجاهدت کردند. ﴿وَالَّذِينَ آوَوْا﴾ و کسانی که پناه دادند به اینها ﴿وَنَصَرُوا﴾ و آنها را یاری کردند، همه اینها ﴿أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ اینها به هم پیوستگان یکدیگرند.

فصل ۴: ایمان و پایبندی به تعهدات



نفع‌طلبان، ایمان و عمل را تا جایی می‌خواهند که به سود شخصی آنها باشد. قرآن صریحاً اعلام می‌کند که اینها ایمان ندارند. آن کسی که مومن است و می‌خواهد مومن بماند و از ثمرات مومن بودن بهره ببرد، در مقابل همه احکام خدا و در همه جا باید احساس تعهد کند. تعهد، موسمی نیست. قرآن به یهودیان اشاره می‌کند که یکجا گفتند باید برادران دینی‌شان محفوظ بمانند و در جای دیگر وقتی پای منافع آمد، همین برادران را کشتند و اسیر کردند و فروختند. قرآن در توبیخ می‌فرماید: ﴿أَقْتُمُونِ بَعْضُ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بَعْضُ﴾ به بعضی از دین ایمان دارید، به بعضی دیگر بی‌ایمانید. امام باقر (ع) در حدیث معروفی که اولین حدیث باب امر به معروف و نهی از منکر است، به اینجور مردمی اشاره می‌کند؛ اینها کسانی هستند که به نماز و روزه که بی‌دردسر و کم‌مایه هست رو می‌آورند، به امر به معروف و نهی از منکر که پردردسر و به ظاهر پرضرر است اقبالی ندارند، اعتنایی نمی‌کنند. امام (ع) اینجا نمی‌گوید که اینها مومن هستند یا نیستند، ولی قرآن اینجا صریح می‌گوید، آن کسانی که آنجا که پای منافشان در میان است، دین را نمی‌خواهند، اینها مومن نیستند

آنهايي که اگر حق به جانبشان هست، به قضاوت و حکومت پیامبر تن می‌دهند، اما وقتی حق به جانبشان نیست، و می‌دانند حکم علیه آنهاست، تن به حکومت پیامبر نمی‌دهند، قرآن به اینها می‌گوید، آیا تردید پیدا کردند در حقانیت و صحت دین؟ ﴿أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ﴾ چیزی در حد کفر، ترسیدند که خدا و رسولش به آنها ظلم کنند؟

آگاهی و روشنگری در دین اسلام

معاویه بن ابی سفیان، آنجایی که لازم است، حتی قرآن را به صورت ورقی بر روی نیزه‌ها می‌کند. آنجایی که باید دوست علی (ع) را به سوی خود جلب کند، دم از فضائل امیرالمومنین می‌زند، وقتی فضائل علی را می‌گویند، اشک تمساح می‌ریزد. اینها جاهایی است که دین به سود اوست. اما آنجا که دین و پایبندی به احکام دین به زیان اوست، دیگر دین را نمی‌شناسد. آنجا که حساب

به عمل آورده است. ﴿وَمَا جَعَلْنَا لِقَابِهَا الَّذِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ﴾ آنان که پیروی پیغمبر می‌کنند از آنان که به سوی گذشتگان‌شان گرایش و تمایل دارند و برمی‌گردند به گذشته، از هم مشخص و مجزا شوند. سپس می‌گوید که آن نمازها و طاعات روبره بیت‌المقدس به بطالت نبوده و مورد قبول است. ﴿وَإِنْ كُنْتَ لَتَكْبِيرَةٍ إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ إِيْمَانَكُمْ﴾ و خدا هرگز ایمان شما را ضایع نمی‌کرد. این آیه به مومنین نوید می‌دهد که شما کارتان و عمل‌تان ضایع نمی‌گردد. یعنی ثمربخش است.

سوالات مبحث یک

(استفدامی آموزگاری ۱۴۰۳)

۱ رهبانین مسیحی به چه دلیل و به کدام صورت رهبانیت پیشه کردند؟

- (۱) برای اینکه دامانشان به گناه آلوده نشود به کلیسا و معبد‌ها پناهنده شدند.
- (۲) برای ترک نیا، گوشه‌گیری اختیار کردند و به کلیسا و معبد‌ها پناهنده شدند.
- (۳) برای اینکه دامانشان به گناه آلوده نشود به غارها و کوه‌ها پناهنده شدند.
- (۴) برای ترک دنیا، گوشه‌گیری اختیار کردند و به غارها و کوه‌ها پناهنده شدند.

(استفدامی آموزگاری ۱۴۰۳)

۲ کدام مورد، حربه‌ای در دست انسان برای مقابله با شیطان و شیطان‌صفت‌ها است؟

- (۱) اطعوا الله (۲) کتاب‌الله (۳) حب الله (۴) ذکرالله

(استفدامی آموزگاری ۱۴۰۳)

۳ در معارف اسلامی «انفال» چیست و قرآن آن را در اختیار چه کسی قرار داده است؟

- (۱) ثروت‌هایی که متعلق به عموم مسلمان است - خدا و رسولش ﷺ
- (۲) ثروت‌هایی که متعلق به عموم مسلمان است - رزمندگان اسلام
- (۳) فقط غنائمی که در جنگ نصیب مسلمانان می‌شود - خدا و رسولش ﷺ
- (۴) فقط غنائمی که در جنگ نصیب مسلمان می‌شود - رزمندگان اسلام

۴ قرآن کریم بعد از آنکه مصرف انفال را معین می‌کند می‌فرماید: «اگر مؤمن هستید این سه کار را انجام دهید» سه کار کدام است؟

(استفدامی آموزگاری ۱۴۰۳)

- (۱) تقوای خدا پیشه کنید، به نیازمندان انفاق کنید و از وسوسه‌های شیطان دوری کنید.
- (۲) تقوای خدا را پیشه کنید، فی مابین خود اصلاح کنید و از خدا و رسولش ﷺ اطاعت کنید.
- (۳) نماز به پا دارید، به نیازمندان انفاق کنید و از خدا و رسولش اطاعت کنید.
- (۴) نماز را به پا دارید، فی مابین خود اصلاح کنید و از وسوسه‌های شیطان دوری کنید.

(استفدامی آموزگاری ۱۴۰۳)

۵ دو بال نیرومند برای پرواز انسان که او را از تیررس دشمن‌های خاکی به کلی دور خواهد کرد، کدام است؟

- (۱) صبر و توکل (۲) حب و دوستی
- (۳) علم و عمل (۴) تولی و تبری

۶ با توجه به آیه شریفه ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ آيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ خردمندان از نظر قرآن چه کسانی هستند؟

(استفدامی آموزگاری ۱۴۰۳)

- (۱) در همه حال نماز را اقامه می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند.
- (۲) در همه حال نماز را اقامه می‌کنند و از خدا و پیامبر ﷺ اطاعت و پیروی می‌کنند.
- (۳) در همه حال به یاد خدا هستند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند.
- (۴) در همه حال به یاد خدا هستند و از خدا و پیامبر اطاعت و پیروی می‌کنند.

۷ اساسی‌ترین نقاط یک فلسفه فکری که الهام‌بخش یک زندگی فردی و اجتماعی بشود. در کدام آیه شریفه زیر بیان شده است؟

(استفدامی آموزگاری ۱۴۰۳)

- (۱) «ربنا ما خلقت هذا باطلا» (۲) «ان فی خلق السماوات و الارض»
- (۳) «الذین یذکرون الله قیاما و قعودا» (۴) «یتفکرون فی خلق السماوات و الارض»

۸ با توجه به آیه شریفه ﴿یا ایها الذین آمنوا اركعوا و اسجدوا و اعبدو ربکم...﴾ انسان باید چه کارهایی انجام دهد تا به فلاح و رستگاری و موفقیت برسد؟

(استفدامی آموزگاری ۱۴۰۳)

- (۱) در مقابل خدا خضوع و بندگی کند و به پیامبر ﷺ نیکی کند.
- (۲) در مقابل خدا رکوع و سجود کند و ایمان به خدا و معاد داشته باشد.
- (۳) در مقابل خدا رکوع و سجود کند و به پیامبر ﷺ نیکی کند.
- (۴) در مقابل خدا خضوع و بندگی کند و کارهای نیک به جا آورد.

(استفدامی آموزگاری ۱۴۰۳)

۹ قرآن کریم در توصیف چه کسانی می‌فرماید: ﴿الذین ینفقون فی السراء و الضراء و الکاظمین الغیظ﴾؟

- (۱) انفاق کنندگان (۲) هدایت شوندگان (۳) مومنین (۴) متقین

پاسخنامه سوالات مبحث یک

گزینه «۳» صحیح است.

رهبانیون مسیحی، برای اینکه دامانشان به گناهان آلوده نشود، رهبانیت پیشه کردند و به غارها و بیغوله‌ها پناه بردند.

گزینه «۴» صحیح است.

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ﴾ آن کسانی که چون گناه بزرگی انجام دهند، یا بر خویشتن ستم کنند، فوراً به یاد خدا بیافتند. با تقوی کسی است که در وادی غفلت دیر نپاید. یاد خدا حربه‌ای است در دست ما علیه شیطان

گزینه «۱» صحیح است.

انفال، یعنی ثروت‌هایی که به عموم مسلمانان متعلق است. مانند؛ درآمد مسلمانان از جنگ، معادن، جنگل‌ها، دشت‌ها و مراتع، به‌طور خلاصه، ثروت‌هایی که متعلق به یک فرد خاص یا به یک جمع خاص نیست و از آن تمامی ملت است. وقتی در جنگ بدر، مسلمانان بحث کردند که غنایم از آن کیست، آیه قرآن پاسخ داد؛ ﴿قُلِ الْإِنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ﴾ انفال از آن خدا و از آن پیامبر است.

گزینه «۲» صحیح است.

پس از آنکه مصرف انفال را معین نمود، می‌فرماید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ اگر مومن هستید، این سه کار را انجام دهید: تقوای خدا پیشه کنید، میان خود را اصلاح کنید و فرمان ببرید خدا را و پیامبرش را.

گزینه «۱» صحیح است.

دو بال نیرومند برای پرواز انسان در زندگی، یکی صبر است، یکی توکل. هر امتی این دو بال را داشته باشد از تیررس دشمن‌های خاکی به دور خواهد ماند.

گزینه «۳» صحیح است.

آن کسانی خردمند «اولی الالباب» هستند که در همه حال به یاد خدایند. ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ و می‌اندیشند در آفرینش آسمان و زمین، در حال تفکرند. و می‌گویند پروردگارا این را بیهوده نیافریده‌ای. این مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقطه یک ایدئولوژی است

گزینه «۱» صحیح است.

نقطه اساسی هر ایدئولوژی زندگی‌ساز این است که من اینجا برای کاری هستم. اساسی‌ترین نقاط یک فلسفه فکری که الهام بخش یک زندگی فردی و اجتماعی بشود همین است: ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾.

گزینه «۴» صحیح است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ﴿ارْكَعُوا وَ سَجُدُوا﴾ رکوع و سجود کنید، در مقابل خدا خضوع کنید، ﴿وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ﴾ عبادت کنید و عبادت پروردگارتان را، ﴿وَقَفُّوا الْخَيْرَ﴾ نیکی به جای آورید، ﴿لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ﴾ مگر موفق گردید، رستگار شوید

گزینه «۴» صحیح است.

با تقوایان چه کسانی هستند؟ ﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾ آن کسانی که اتفاق می‌کنند در خوشی و ناخوشی.

گزینه «۱» صحیح است.

این آیات از آخر سوره آل عمران ایمان آگاهانه را به ما معرفی می‌کند: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾، «در آفرینش آسمان‌ها و زمین، آمد و رفت شب و روز همانا نشانه‌هایی است، برای خردمندان».

گزینه «۴» صحیح است.

کسانی که به خدا ایمان آورند و به او متمسک و متکی گردند، (یعنی به دامن خدا و آیین خدا چنگ بزنند و متمسک بشوید) خدا آنان را در رحمت و فضل خویش داخل خواهد کرد. و آنها را به سوی خود رهنمون می‌شود. در آیه معروف دیگر؛ ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ آن کسانی که در راه ما مجاهدت کنند، بی گمان و بی تردید راه‌هایمان را به آنها نشان می‌دهیم (گمراهشان نمی‌گذاریم). و بی گمان خدا با نیکوکاران است

گزینه «۱» صحیح است.

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ خدا سرپرست و هم جبهه مومنان است. (دشمنان در صف دیگر هستند). نقل از کتاب: «ولی را من، هم جبهه، پیوسته، هم سطح معنا می‌کنم و بر سرپرست و دوست و یاور و این چیزهایی که معمول است، ترجیح می‌دهم».

گزینه «۳» صحیح است.

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ اطاعت از پیامبر را در کنار اطاعت از خدا آورده است تا اطاعت پیامبر را مصداق اطاعت از خدا بیان کند، وگرنه هر کسی می‌تواند ادعای اطاعت از خدا را داشته باشد. رحم خدا نیز در اینجا به ملتی تعلق می‌گیرد که عمل کرده‌اند و اطاعت کرده‌اند، نه کسانی که منطقه ممنوعه خدا را زیر پا گذاشته‌اند

گزینه «۴» صحیح است.

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ﴾ «خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد» (و بر دشمن پیروز شدید)؛ و در روز حنین (نیز یاری نمود)؛ در آن هنگام که فزونی جمعیتتان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی جمعیت) هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شده؛ سپس پشت (به دشمن) کرده، فرار نمودید!

گزینه «۳» صحیح است.

خدا در آیاتی به مومنین می‌گوید، به این علت قبله را مدتی به بیت‌المقدس گرداندیم که کعبه از قبل از اسلام محل عبادت شما بود، خواستیم آن را تغییر دهیم تا ببینیم چقدر حاضرید به خاطر خدا سنت‌ها را زیر پا بگذارید.

آموزش نکته به نکته و مجموعه سوالات طبقه بندی شده

حیطه اختصاصی

آزمون استخدامی آموزش و پرورش

✓ در برنامه کلیه دروس

✓ بیش از ۱۲۰۰ تست استاندارد

✓ پاسخنامه تشریحی

به همراه سوالات
آزمون ۱۴۰۳



روانشناسی تربیتی

روش ها و فنون تدریس

سنجش و اندازه گیری پیشرفت تحصیلی

روانشناسی رشد و اختلالات یادگیری

اسناد و قوانین بالادستی آموزش و پرورش

فهرست مطالب

حیطه اختصاصی

۷	مبحث ۱: روان‌شناسی تربیتی
۸	فصل اول: تعاریف مفاهیم و اصطلاحات مرتبط
۱۶	فصل دوم: کاربرد نظریه‌های تحولی در آموزش
۲۶	فصل سوم: کاربرد نظریه‌های یادگیری در کلاس
۴۶	فصل چهارم: کاربرد نظریه‌های انگیزش و هیجان در آموزش
۵۲	فصل پنجم: شناخت تفاوت‌های فردی در یادگیری
۶۲	فصل ششم: کاربرد نظریه‌های هوش، تفکر، خلاقیت و استعداد
۷۶	فصل هفتم: مسئولیت و سازندگی
۸۵	پاسخنامه:

۱۰۰	مبحث ۲: روش‌ها و فنون تدریس
۱۰۱	فصل اول: مبانی نظری یادگیری
۱۱۷	فصل دوم: مبانی نظری تدریس
۱۲۳	فصل سوم: مدیریت فعالیت‌های آموزشی
۱۳۷	فصل چهارم: برنامه‌ریزی فعالیت‌های آموزشی
۱۴۵	فصل پنجم: طراحی فعالیت‌های آموزشی
۱۵۳	فصل ششم: مدل‌ها و الگوهای تدریس
۱۶۶	فصل هفتم: آشنایی با روش‌های تدریس و مهارت‌های اساسی معلم
۱۸۶	پاسخنامه:

۲۰۰	مبحث ۳: سنجش و اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی
۲۰۱	فصل اول: تعاریف، مفاهیم و اصطلاحات مرتبط
۲۱۵	فصل دوم: انواع سنجش یادگیری با آزمون
۲۲۳	فصل سوم: انواع ارزشیابی
	(سنجش مشاهده‌ای؛ سنجش عملکردی؛ سنجش عاطفی؛ سنجش رفتاری؛ سنجش تکوینی؛ پوشه کار)
۲۴۴	فصل چهارم: تحلیل آزمون‌ها و نمرات
۲۵۲	فصل پنجم: ارزشیابی توصیفی
۲۵۹	پاسخنامه:

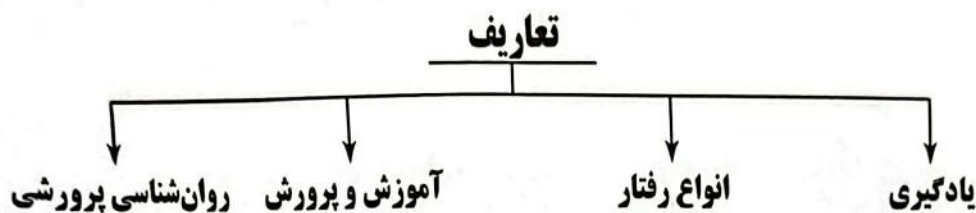
فهرست مطالب

حیطه اختصاصی

۲۶۹	مبحث ۴: روان‌شناسی رشد و اختلالات یادگیری
۲۷۰	فصل اول: تعاریف، مفاهیم و نظریات رشد
۲۸۲	فصل دوم: رشد و تحول از تولد تا دو سالگی
۲۹۰	فصل سوم: رشد کودک از دو تا هفت سالگی
۲۹۴	فصل چهارم: رشد کودک از هفت تا یازده سالگی
۲۹۶	فصل پنجم: رشد در دوره نوجوانی
۲۹۹	فصل ششم: رشد در دوره جوانی
۳۰۰	فصل هفتم: تعریف مفاهیم، اصطلاحات مرتبط و نظریات اختلالات یادگیری کودکان
۳۰۸	فصل هشتم: گروه‌بندی و مراحل شناسایی و تشخیص دانش‌آموزان دچار اختلالات یادگیری
۳۱۱	فصل نهم: روش‌های درمان و رفع مشکلات آموزشی دانش‌آموزان دچار اختلالات یادگیری
۳۳۳	فصل دهم: معرفی و بررسی اجمالی اختلالات یادگیری خواندن
۳۴۸	فصل یازدهم: معرفی و بررسی اجمالی اختلالات یادگیری نوشتن (دیکته) و ریاضی
۳۵۶	پاسخنامه:

۳۶۳	مبحث ۵: اسناد و قوانین بالادستی آموزش و پرورش
۳۶۴	فصل اول: سیاست‌های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش
۳۶۸	فصل دوم: سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
۳۹۳	فصل سوم: آیین‌نامه اجرایی مدارس، مصوب سال ۱۴۰۰
۴۳۴	پاسخنامه:

توضیح: در بخش‌های مختلف کتاب در کنار مطالب، تصویر QR code قرار داده شده است. با اسکن آن QR code را مشاهده می‌کنید که مطلب مورد نظر را توضیح می‌دهد. این توضیحات به درک شما از مطلب کمک خواهد کرد. یادگیری نحوه استفاده از QR code توضیحاتی که در مقدمه آمده را مطالعه کنید



۱-۱- تعاریف

یادگیری

یادگیری به فرآیند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری که ناشی از تجربه است گفته می‌شود و متفاوت از تغییراتی مانند اثر بیماری، خستگی یا مصرف دارو می‌باشد. این رفتارها شامل اعمال مفید و همچنین مضر می‌شوند پس، یادگیری یعنی ایجاد فرآیند نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه یادگیرنده، مشروط بر آنکه این تغییر در اثر تجربه روی دهد.

تجربه: نوعی داد و ستد بین یادگیرنده و محیط اطراف او می‌باشد.

عناصر تشکیل‌دهنده تعریف یادگیری و عواملی که باید در این فرآیند حضور داشته باشند:

تغییر + نسبتاً پایدار + توان رفتاری + تجربه

رفتار چیست؟

رفتار: اعمال و حرکات بیرونی و درونی فرد است که به دو دسته آشکار و نهان تقسیم می‌شود.

۱- رفتار آشکار: اعمالی که به طور مستقیم قابل مشاهده هستند، مانند صحبت کردن، نوشتن، راه رفتن و ...

۲- رفتار پنهان: اعمال درونی مانند فکر و خیال که مستقیماً مشاهده نمی‌شوند و از طریق مشاهده رفتار آشکار استنباط می‌شوند

ما برای بررسی میزان یادگیری فرد به رفتار آشکار یا عملکرد او مراجعه می‌کنیم. البته تفاوتی بین رفتار و عملکرد وجود دارد. رفتار، همه اعمال شخص را دربرمی‌گیرد، ولی عملکرد، به نتیجه عمل فرد گفته می‌شود. پس برای ارزیابی یادگیری به عملکرد مراجعه می‌کنیم زیرا عملکرد محصول یادگیری است

تفاوت یادگیری و عملکرد نیز مانند تفاوت بین علم به نحوه انجام کار و خود انجام دادن کار است. البته با توجه به اینکه عملکرد فرد از عوامل دیگری همچون انگیزش، هیجان، شرایط محیطی، خستگی و بیماری نیز تأثیر می‌پذیرد، نمی‌توان همیشه آن را شاخص قطعی برای سنجش یادگیری دانست

نکته: هر یادگیری به تغییر می‌انجامد ولی هر تغییری یادگیری نیست. اگر پای فردی بشکند، تغییر است ولی یادگیری نیست

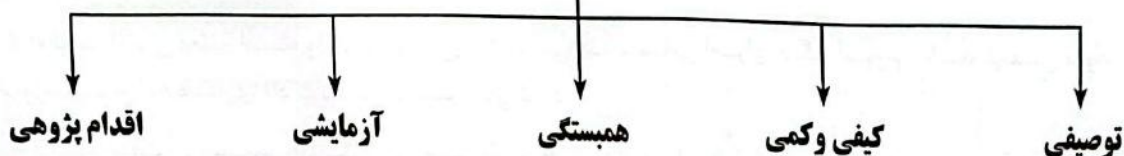


مشاهده محتوای مطلب (۱)

۱-۲- انواع روش های پژوهشی

طبق مطالبی که بالا ذکر شد، روان شناسی تربیتی به عنوان شاخه ای از روان شناسی یک علم است و بر اساس روش های پژوهش علمی رشد و توسعه می یابد. در اینجا روش های پژوهش علمی متداول در علم روان شناسی تربیتی معرفی می شوند. از این بخش نیز تحت عناوین مفاهیم و اصطلاحات سوالاتی در آزمون های گذشته مطرح شده است.

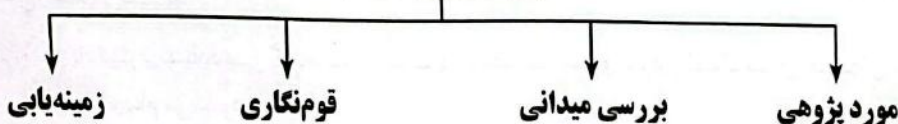
انواع پژوهش در روان شناسی پرورشی



پژوهش توصیفی

پژوهشی است که در آن موقعیت ها و رویدادها فقط توصیف می شوند. در پژوهش توصیفی از آزمون، پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده استفاده می شود تا چگونگی یا ویژگی های یک موقعیت یا رویداد توصیف شوند. پژوهش توصیفی درباره وضع جاری، اطلاعات مفیدی بدست می دهد. ولی نمی تواند روابط بین پدیده ها یا وابستگی علت و معلولی آنها را نتیجه گیری نماید. این نوع از پژوهش به چهار روش قابل اجرا است.

پژوهش توصیفی



مورد پژوهی: یک شخص یا یک موقعیت، عمیقاً مورد بررسی قرار می گیرد. به عنوان نمونه پژوهشگر می تواند چگونگی و نحوه تدریس یک معلم یا عملکرد یادگیری دانش آموزی را مورد پژوهش قرار دهد. اغلب زمانی بکار می رود که به دلایل علمی یا اخلاقی نمی توان شرایط ویژه زندگی یک فرد را تکرار کرد یا به شکل عمومی مورد پژوهش قرار داد.

بررسی میدانی: در شرایط واقعی مانند یک کلاس درس صورت می پذیرد و غالباً از روش مشاهده طبیعی استفاده می کند. در مشاهده طبیعی، پژوهشگر باید تا حد ممکن به موضوع مطالعه نزدیک شود؛ مثلاً در کنار دانش آموزان بنشیند.

قوم نگاری: روشی در مردم شناسی برای بررسی عمیق ویژگی های گروهی از مردم مانند یک فرهنگ، یک گروه از جامعه یا یک قبیله است و اطلاعات جامعی درباره مسئله یا موضوع مورد مطالعه به منظور توصیف کامل و درک عمیق آن تولید می کند. در این روش، از مشاهده طبیعی و مصاحبه استفاده می شود و غالباً کاری درازمدت است.

زمینه یابی (مصاحبه و پرسشنامه): برای سنجش عقاید مردم درباره موضوعات مختلف یا گردآوری اطلاعات درباره مشخصات پدیده ها بکار می رود و برخلاف سایر روش های توصیفی، نتایج این گونه پژوهش می تواند به صورت کمی گزارش شود.

پژوهش کیفی

نوعی از پژوهش است که در آن پدیده های پیچیده پرورشی به صورت کلی توصیف می شوند. اطلاعات در این نوع پژوهش به سادگی قابل تبدیل به اعداد (کمیت) نیستند، بلکه بازبینی عمیقی از پدیده های پیچیده ارائه می کنند. این نوع پژوهش، وابسته به زمینه است و در بافت واقعی زندگی به مدت طولانی انجام شده و اطلاعاتی فراتر از رویدادهای مقطعی را نشان می دهد. مطالعات کیفی، قابلیت تعمیم ندارند و داده ها را در مورد موضوع مورد مطالعه برای برداشت و تحلیل در اختیار سایرین قرار می دهند.

نکته: همه پژوهش های توصیفی، کیفی هستند. (البته برخی از آنها (پژوهش های توصیفی)، کمی هم محسوب می شوند).

آموزش و پرورش

تعریف آموزش: آموزش از سوی معلم با هدف آسان‌سازی یادگیری طراحی و اجرا می‌شود و بین معلم و یادگیرنده (ها) به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد. توجه کنید که فعالیت‌های آموزشی با هدف تسهیل یادگیری از سوی معلم انجام می‌شوند و یادگیری عملاً توسط یادگیرنده انجام می‌شود. پس معلم تنها یک تسهیل‌کننده بوده و ملاک اثربخشی او در میزان هدایت یادگیری دانش‌آموزان است. بدین ترتیب، یادگیری یک فرآیند درونی در دانش‌آموز و آموزش، امری بیرونی است.

نکته: آموزش رو در رو در کلاس از امتیاز کنش متقابل برخوردار است، ولی آموزش، تنها به محیط کلاس محدود نمی‌شود و سایر شیوه‌ها مانند روش‌های تلویزیونی و آنلاین یا آموزش مکاتباتی نیز فعالیت‌های آموزشی محسوب می‌شوند. البته این شیوه‌ها فاقد کنش متقابل یا رابطه دو سویه هستند.

تدریس: فعالیت کلاسی معلم است، وقتی موضوعی را درس می‌دهد و شامل اجزای دیگر آموزش مانند گزینش مواد آموزشی، طرح آموزشی، پیش‌آماده‌سازی یادگیرندگان و غیره نمی‌شود.

پرورش: فرآیند منظم و مستمر هدایت رشد جسمانی، روانی و همه جانبه شخصیت فرد در جهت درک علوم، هنرهای متداول و کمک به شکوفا شدن استعدادهای اوست.



مشاهده محتوای مطلب (۲)

کارآموزی (حرفه‌آموزی): توسعه دانش، مهارت و الگوهای رفتاری مورد نیاز فرد برای انجام شغلی معین است. از آنجا که حرفه‌آموزی معطوف به نتیجه مشخص و محدود در ارتقاء قابلیت‌های رفتاری فرد است، معنایی بسیار محدودتر نسبت به پرورش، آموزش و تدریس دارد. هدف از آن برخلاف پرورش، شکوفا ساختن استعدادهای همه جانبه افراد یا رشد شخصیت آنان نیست، بلکه به ارائه فنون و مهارت‌های لازم به کارآموزان برای انجام شغل یا حرفه‌ای معین گفته می‌شود.

حرفه‌آموزی: یک فرآیند یادگیری و یاددهی کوتاه‌مدت است و با هدف آماده کردن افراد برای حرفه‌ای معین با حضور معلم یا بدون حضور معلم انجام می‌شود.

تفاوت‌های پرورش و کارآموزی:

- ۱- حوزه پرورش گسترده است و تمام جنبه‌های زندگی را در برمی‌گیرد، ولی کارآموزی محدود است.
- ۲- هدف‌های پرورش، کلان و جامع هستند، ولی کارآموزی اهداف محدود و مشخص دارد.
- ۳- دوره‌های پرورشی طولانی هستند مانند مدرسه و دانشگاه، ولی کارآموزی کوتاه و مقطعی است مانند دوره فتوشاپ.
- ۴- پرورش، توسط نهادهای رسمی مانند مدرسه و دانشگاه انجام می‌شود ولی کارآموزی توسط شرکت‌ها، موسسات صنعتی، خدماتی، یا حتی دولتی برای تأمین نیروی متخصص اتفاق می‌افتد.
- ۵- در نظام‌های پرورشی به فرد امکانات داده می‌شود تا استعدادهای خود را بر پایه علاقه‌اش پرورش دهد، درحالی‌که در دوره کارآموزی، فرد موظف است جدا از استعداد یا علاقه‌اش، بر اساس اهداف برنامه کارآموزی حرکت کرده و مهارت‌های تعیین شده را یاد بگیرد. پس نظام پرورش، تأمین‌کننده نیاز یادگیرنده است، ولی دوره کارآموزی به دنبال تأمین نیاز برگزار کننده دوره است.

روان‌شناسی پرورشی

تعریف روان‌شناسی: روان‌شناسی، علم مطالعه رفتار، و همچنین فرآیندهای شناختی و ذهنی زیربنای رفتار است و شاخه‌های تخصصی گوناگون مانند رشد، تفاوت‌های فردی، فیزیولوژی روانی و... را شامل می‌شود.

تعریف روان‌شناسی پرورشی: در آغاز تأسیس، همه موضوعات روان‌شناسی را شامل می‌شد اما با گسترش شاخه‌های روان‌شناسی و تخصصی شدن آنها، روان‌شناسی پرورشی نیز به مطالعه ویژگی‌های یادگیرندگان، یادگیری و آموزش محدود شد. به عبارتی روان‌شناسان پرورشی، ماهیت یادگیری و یادگیرندگان، ویژگی‌های آموزش مؤثر و چگونگی تأثیر شرایط کلاس بر یادگیری را بررسی می‌کنند. البته هنوز در مورد اینکه روان‌شناسی پرورشی یک شاخه مستقل است یا صرفاً اصولی از روان‌شناسی در رابطه با آموزش، اختلاف نظر وجود دارد.

پژوهش کمی

پژوهش کمی، وابسته به اعداد است و اطلاعاتی به دست می‌دهد که جنبه کمی یا عددی دارند یا قابل تبدیل به عدد هستند.

نکته: پژوهش‌های همبستگی و آزمایشی، کمی هستند.

پژوهش همبستگی

در پژوهش همبستگی، رابطه میان دو یا چند متغیر تعیین می‌شود و ارتباط زمانی و قابلیت پیشبینی میان متغیرها را نشان می‌دهد. میزان و جهت این روابط با یک ضریب عددی (حرف r و بین اعداد $+1$ و -1) نشان داده می‌شوند. ضریب $+1$ رابطه کامل مثبت و مستقیم بین دو متغیر، عدد -1 رابطه کامل منفی و معکوس بین دو متغیر و عدد صفر عدم وجود رابطه را نشان می‌دهند.

پژوهش آزمایشی

پژوهش آزمایشی فراتر از توصیف و پیشبینی است و به رابطه علت و معلولی بین امور می‌پردازد. برای ریشه‌یابی علت و معلول در یافته‌های پژوهش‌های توصیفی یا همبستگی از آزمایش استفاده می‌کنیم. دقیق‌ترین و معتبرترین نوع پژوهش در حوزه آموزش و یادگیری آزمایش است که به دو صورت گروهی و انفرادی قابل انجام است.



مشاهده محتوای مطلب (۳)

پژوهش آزمایشی گروهی: در آزمایش گروهی تمام شرایط پژوهش زیر نظارت و کنترل دقیق آزمایشگر درمی‌آیند تا امکان ارزیابی تأثیرات ناشی از ایجاد تغییرات یا اصطلاحاً دخل و تصرف در یک متغیر (متغیر مستقل) بر متغیر دیگر (متغیر وابسته) فراهم آید. برای این کار، دو گروه آزمودنی به طور تصادفی از گروهی وسیع انتخاب می‌شوند و یکی گروه آزمایش و گروه دیگر گواه (کنترل) نامیده می‌شوند. سپس متغیر مستقل در گروه آزمایشی اجرا می‌شود (دستکاری می‌شود)، ولی در گروه گواه به اجرا در نمی‌آید. پس از پایان آزمایش، تغییرات ایجاد شده در متغیر وابسته (منتج از دستکاری‌ها در متغیر مستقل) در گروه آزمایشی را با وضعیت متغیر وابسته در گروه گواه قیاس می‌کنند تا میزان تأثیر دستکاری در متغیر مستقل مشخص شود.

پژوهش آزمایشی انفرادی (تک آزمونی): در صورتی که مشکل آموزشی، منحصر به فرد باشد و امکان ایجاد گروه‌های آزمایشی و گواه نباشد، این روش بکار می‌رود. در این حالت، یک فرد هر دو نقش را دارد و نتایج آزمایش با خود او قیاس می‌شوند.

اقدام پژوهی

نوعی پژوهش کاربردی است که برای حل کردن مشکلات ویژه مربوط به یک کلاس درس یا آموزشگاه به وسیله معلمان یا سایر مسئولان آموزشگاه طرح و اجرا می‌شود. از آنجا که اقدام پژوهی (پژوهش عمل‌نگر) بوسیله معلمان در مدارس اجرا می‌شود، پشتوانه آن معلمان پژوهشگر هستند. این پژوهش بر مشکلات و تصمیمات خاص یک معلم یا گروهی از معلمان متمرکز است.

اهداف اقدام پژوهی:

- (۱) رفع یا بهبود مشکلی مربوط به موقعیتی خاص
- (۲) آموزش ضمن خدمت و توانمند ساختن معلمان با مهارت‌ها و روش‌های جدید، نیروی تحلیل‌گرانه، و افزایش خودآگاهی آن‌ها
- (۳) افزودن رویکردهای جدید آموزش و یادگیری به نظام جاری که به طور معمول دافع نوگرایی و تغییر است.
- (۴) بهبود ارتباط بین معلم عمل‌گرا و پژوهشگر دانشگاهی و رفع نواقص پژوهش سنتی در تولید دستورالعمل صریح برای معلمان
- (۵) فراهم آوردن یک روش حل مسئله در کلاس درس که از روش غیرعینی و مشخص کنونی برتر باشد.

نکته: اقدام پژوهی یک روش ویژه پژوهشی نیست، بلکه از همه روش‌های پژوهشی از جمله توصیفی، همبستگی، آزمایش و حتی کیفی بهره می‌برد.

مقایسه پژوهش کمی و کیفی

در پژوهش کمی، داده‌ها و روش جمع‌آوری داده‌ها هر دو کمی هستند، ولی در پژوهش کیفی داده‌ها و روش جمع‌آوری‌شان کیفی هستند. به عبارت دیگر پژوهش کمی بر اعداد، اندازه‌گیری و استدلال استقرایی مبتنی است، ولی پژوهش کیفی به ادراک و فهمیدن از طریق ابزارهای کلامی و استدلال قیاسی وابسته است.

از دیدگاه فلسفی، روش‌های کمی به فلسفه اثبات‌گرایی وابسته‌اند و روش‌های کیفی از فلسفه پسا اثبات‌گرایی^۱ سرچشمه می‌گیرند. فلسفه اثبات‌گرایی: محیط طبیعی و اجتماعی را مستقل از پژوهشگر فرض می‌کند و واقعیت اجتماعی را نسبتاً ثابت می‌داند که باید بدون تعصب، مشاهده و مطالعه شود. این روش در آموزش و پرورش بسیار متداول است.

فلسفه پسا اثبات‌گرایی: پدیده‌های اجتماعی به معنی‌هایی که افراد برای آنها می‌سازند، وابسته‌اند. بدین شکل، دانش مستقل از دانشمند وجود ندارد، بلکه دانش بوسیله دانشمند ساخته می‌شود. این گروه، واقعیت را نسبی می‌انگارند، بنابراین پژوهش علمی باید واقعیت‌های چندگانه ساخته شده توسط افراد را در نظر بگیرد. این کار با تحلیل کمی امکان‌پذیر نیست و نیازمند مطالعه کل‌نگرانه و توصیفی می‌باشد.

مراحل انجام پژوهش

اصولاً یک سوال یا مسئله، آغازگر پژوهش است. سپس پژوهشگر براساس دانش و نظریه‌های موجود و با توجه به پژوهش‌های قبلی به طرح فرضیه اقدام می‌کند. فرضیه، نیز یک حدس علمی است که درست و غلط بودن آن پس از انجام پژوهش و جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها معلوم می‌شود.

پس از بیان فرضیه، مرحله بعدی جمع‌آوری داده‌ها است که روش پژوهش یا روش تحقیق نام دارد. روش پژوهش، نقشه و نحوه جمع‌آوری داده یا اطلاعات لازم برای آزمون فرضیه را مشخص می‌کند.

پس از جمع‌آوری داده‌ها اگر نتایج، درستی فرضیه را تأیید کردند و این فرضیه در پژوهش‌های مشابه دیگر مورد تأیید قرار گرفت، به صورت قانون علمی در می‌آید. با کشف چند قانون علمی در زمینه‌ای مشخص و ترکیب و ادغام آنها، قانون جامع‌تری به نام نظریه علمی تولید می‌شود.

اصل: رابطه بین دو متغیر که از لحاظ علمی هنوز اثبات نشده است.

قانون علمی: رابطه اثبات شده بین دو یا چند متغیر. مثال: وقتی دانش‌آموزان بسیار مضطرب‌اند، عملکردشان کاهش می‌یابد.

نظریه: مجموعه‌ای از اصول و قوانین به هم مرتبط که جنبه‌های وسیع یادگیری، رفتار یا هر زمینه دیگر را تبیین می‌کند. مثال: اضطراب، دقت افراد را مختل می‌کند و همین سبب کاهش یافتن عملکرد تحصیلی آنان است.

۱-۳- سوالات فصل یک

۱ تفاوت بین «دانستن چگونه انجام دادن کاری» و «انجام دادن آن کار» به ترتیب بیانگر تفاوت بین دو مورد زیر است؟

(استفاده آموزشی (۱۴۰۲)

- ۱) رفتار و عملکرد ۲) عملکرد و تفکر ۳) یادگیری و عملکرد ۴) تفکر و یادگیری

۲ تفاوت بین «دانستن چگونه انجام دادن کاری» و «انجام دادن آن کار» به ترتیب بیانگر تفاوت بین دو مورد زیر است؟

(آموزگار ابتدایی (۱۴۰۲)

- ۱) رفتار و عملکرد ۲) عملکرد و تفکر ۳) یادگیری و عملکرد ۴) تفکر و یادگیری

۳ رابطه‌ای که به طور کامل آزمون شده و معلوم گشته که در موقعیت‌های گوناگون قابل کاربست است، از کدام نوع است؟

(آموزگار ابتدایی (۱۴۰۱)

- ۱) اصل ۲) نظریه ۳) قانون ۴) فرضیه

(آموزگار ابتدایی (۹۹)

۴ کدام مورد در خصوص مفهوم «یادگیری»، صحیح است؟

- ۱) یادگیری، همیشه جنبه عمدی دارد و اتفاقی رخ نمی‌دهد.
۲) یادگیری، نتیجه عملکرد است.
۳) هر نوع یادگیری به تغییر می‌انجامد.
۴) تفکر و یادگیری، دو فرایند کاملاً مشابه هستند.

(آموزگار ابتدایی (۹۹)

۵ کدام مورد، از اهداف اقدام پژوهی نیست؟

- ۱) رفع مشکلاتی که در موقعیت‌های خاص تشخیص داده شده‌اند یا بهبود دادن آنها
۲) افزودن رویکردهای تازه آموزش و یادگیری به نظام جاری
۳) بررسی و رفع مسائل زیربنایی و بنیادی نظام آموزشی یک کشور یا منطقه
۴) فراهم آوردن یک روش حل مسئله در کلاس درس که از روش کنونی برتر باشد.

۶ کدام نوع پرورش توسط معلم کلاس برای حل مشکلات حاوی آموزش یا یادگیری دانش‌آموزان در کلاس طراحی می‌شود؟

(آموزگار ابتدایی (۹۷)

- ۱) موردی ۲) تک آزمودنی ۳) اقدام پژوهی ۴) آزمایشی

(آموزگار ابتدایی (۹۶)

۷ کدام مورد یک نظریه علمی است؟

- ۱) وقتی که در افراد این انتظار ایجاد می‌شود که برای رفتارشان تقویت دریافت خواهند کرد، رفتارشان افزایش می‌یابد.
۲) هنگام خواندن داستان برای کلاس، دانش‌آموزان را تشویق کنید تا شخصیت‌ها و موقعیت‌هایی را در ذهن خود مجسم کنند.
۳) زمانی که به دانش‌آموزان گفته می‌شود مطالبی را که می‌آموزند در ذهن خود مجسم کنند، آن مطالب را بهتر یاد می‌گیرند.
۴) زمانی که دانش‌آموزان خیلی مضطرب هستند، عملکردشان کاهش می‌یابد.

۸ کدام مورد در خصوص روش اقدام پژوهی درست نیست؟

- ۱) شرکت‌کنندگان و پژوهشگر برای ایجاد تغییر با یکدیگر همکاری می‌کنند.
۲) براساس نتایج می‌توان بلافاصله به تغییر و تعدیل شرایط پرداخت.
۳) به‌دنبال دستیابی به قوانین عینی و تعمیم‌پذیر است.
۴) هدف، بهسازی و رفع مشکلات آموزشی و شغلی است.

۹ در مقایسه تدریس با آموزش، می‌توان گفت

- ۱) تدریس و آموزش دو اصطلاح هم‌معنا هستند.
۲) تدریس کلی‌تر از آموزش است.
۳) آموزش هم تدریس معلم و هم سایر فعالیت‌های غیر کلامی او را شامل می‌شود.
۴) تدریس، اصطلاح جالفتاده‌تری از آموزش است و فعالیت‌های همه جانبه معلم را بهتر نشان می‌دهد.

۱۰ کدام کلمه از سایرین جامع‌تر است؟

- ۱) آموزش ۲) تدریس ۳) پرورش ۴) کارآموزی

۱۱ پرورش در قیاس با کارآموزی

- ۱) حیطه مشخص‌تری دارد.
۲) اهداف معین‌تر دارد.
۳) معمولاً طولانی‌تر است.
۴) برای اهداف شغلی کارفرما مطلوب‌تر است.



مشاهده محتوای مطلب (۲)

فصل یک

۱- گزینه «۱» صحیح است.

۳-۴- تبیین اندیشه دینی- سیاسی امام خمینی(ره)، مبانی جمهوری اسلامی و ولایت فقیه و اصول ثابت قانون اساسی در مقاطع مختلف تحصیلی.

۲- گزینه «۴» صحیح است.

۳- گزینه «۱» صحیح است.

۴- ایجاد تحول در نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی با توجه به: ... ۴-۵- تحول بنیادین شیوه‌های ارزشیابی دانش‌آموزان برای شناسایی نقاط قوت و ضعف و پرورش استعدادها و خلاقیت دانش‌آموزان. ...

۴- گزینه «۲» صحیح است.

پاسخ سوال قبل را ببینید.

۵- گزینه «۳» صحیح است.

تحول در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در جهت رسیدن به حیات طیبه (زندگی فردی و اجتماعی مطلوب اسلامی) و رشد و شکوفایی استعدادهای فطری و ارتقاء کیفی در حوزه‌های بینش، دانش، ...

۶- گزینه «۲» صحیح است.

۳-۵- استقرار نظام ارزیابی و سنجش صلاحیت‌های عمومی، تخصصی و حرفه‌ای معلمان مبتنی بر شاخص‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و تربیتی برای ارتقاء.

۷- گزینه «۳» صحیح است.

۴-۶- رعایت رویکرد فرهنگی و تربیتی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی.

۸- گزینه «۱» صحیح است.

۴-۵- تحول بنیادین شیوه‌های ارزشیابی دانش‌آموزان برای شناسایی نقاط قوت و ضعف و پرورش استعدادها و خلاقیت دانش‌آموزان.

۹- گزینه «۱» صحیح است.

۱۰- گزینه «۳» صحیح است.

۴-۵- تحول بنیادین شیوه‌های ارزشیابی دانش‌آموزان برای شناسایی نقاط قوت و ضعف و پرورش استعدادها و خلاقیت دانش‌آموزان.

۱۱- گزینه «۳» صحیح است.

متن سیاست‌های کلی «ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور» که به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شده است.

۱۲- گزینه «۴» صحیح است.

۱۳- گزینه «۲» صحیح است.

۱۴- گزینه «۳» صحیح است.

تحول در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی در جهت رسیدن به حیات طیبه ... انجام می‌پذیرد.

۱۵- گزینه «۱» صحیح است.

بهسازی و اعلا‌ی منابع آموزش و پرورش به عنوان محور تحول در نظام تعلیم و تربیت کشور و بهبود مدیریت منابع انسانی با تأکید بر ..

فصل دو

۱۶- گزینه «۲» صحیح است.

نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی؛ نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمان یافته که، به عنوان مهمترین عامل انتقال، بسط و اعتلاء فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد را بر عهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد.

۱۷- گزینه «۲» صحیح است.

هویت: برآیند مجموعه‌ای از بینش‌ها، باورها، ... حاصل تلاش و توفیق شخص و تا حدودی متأثر از شرایط اجتماعی است.

۱۸- گزینه «۳» صحیح است.

مدرسه در افق چشم انداز ۱۴۰۴ بر پایه این چشم‌انداز، مدرسه جلوه‌ای است از تحقق مراتب حیات طیبه، ... که دارای ویژگی‌های زیر است:

- نقطه اتکای دولت و ملت در رشد، تعالی و پیشرفت کشور و کانون تربیت محله

- برخوردار از قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزه‌های عملیاتی در چارچوب سیاست‌های محلی، منطقه‌ای و ملی

- نقش‌آفرین در انتخاب آگاهانه، عقلانی، مسئولانه و اختیاری فرآیند زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش‌آموزان براساس نظام معیار اسلامی ...

۱۹- گزینه «۳» صحیح است.

راهکار ۵-۵ - اختصاص حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه‌های آموزشی به معرفی حرفه‌ها، هنرها، ...

۲۰- گزینه «۲» صحیح است.

راهبرد کلان شماره: ۱۱ - ارتقاء معرفت و بصیرت دینی، انقلابی و سیاسی برای رشد و تعالی معنوی و اخلاقی معلمان و دانش‌آموزان و مشارکت برای ارتقاء معنوی خانواده.

۲۱- گزینه «۱» صحیح است.

بیانیه ارزش‌ها شماره ۵- زمینه‌سازی کسب شایستگی‌های پایه - با تأکید بر خصوصیات مشترک اسلامی - ایرانی و انقلابی، در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی.

۲۲- گزینه «۱» صحیح است.

راهکار ۶-۲ - طبقه‌بندی و متناسب‌سازی مقولات و موضوعات تربیتی و اخلاقی با مراحل رشد و ویژگی‌های دانش‌آموزان و اهداف و نیازهای نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و جامعه.

۲۳- گزینه «۳» صحیح است.

راهکار ۳-۱۹ - ایجاد نظام رتبه‌بندی مدارس و مؤسسات آموزش



کتابهای ویژه‌ی آموزش پرورش

دبیر حکمت و معارف اسلامی

کتاب موفقیت در آزمون‌های آموزش پرورش



- شرح و خلاصه درس و معرفی نکات برتر؛ ویژه‌ی آزمون‌های استخدامی
- مطابق با آخرین تغییرات منابع سازمان سنجش و آموزش کشور
- سوالات تالیفی و شبیه‌سازی شده جهت ارزشیابی آموزشی دبیر

راهنمای معلم منطق؛

راهنمای معلم فلسفه ۱ و ۲؛

راهنمای معلم دین و زندگی ۱ و ۳؛

منشور حکومت علوی آیت الله خامنه‌ای

(محتوای ارزیابی: اندیشه اسلامی، آیین زندگی،

علوم و تفسیر قرآن، شناخت منابع و متون اسلامی و...)

حکمت
و معارف
اسلامی

Arach an easy way for teaching

گروه مولف:
پریسامادقی

□ بخش اول..... ۵

◀ راهنمای معلم منطق.....

◀ راهنمای معلم دین و زندگی ۱ و ۳.....

◀ راهنمای معلم فلسفه ۱ و ۲.....

◀ منشور حکومت علوی آیت الله خامنه‌ای.....

□ بخش نمونه سؤالات ویژه ارزشیابی دبیر حکمت و معارف اسلامی..... ۱۹۱

□ بخش دوم: سؤالات تخصصی دبیر حکمت و معارف اسلامی..... ۲۱۳

□ سؤالات تألیفی دبیر حکمت و معارف اسلامی..... ۲۴۳

◀ محتوای ارزیابی؛ آیین زندگی؛ اندیشه اسلامی؛ علوم و تفسیر قرآن و





روش تدریس و راهنمای معلم آیین زندگی ۱ و ۲؛ منطق، فلسفه ۱ و ۲ و ...

۱- رویکرد حاکم بر برنامه تعلیم و تربیت دینی (رویکرد فطرت‌گرا):

رویکردها یا رهیافت‌ها عموماً منتج از دیدگاه‌ها و برگرفته از آنها هستند و بر عناصر و اجزای یک برنامه پرتوافکنی می‌کنند. در واقع، رویکرد، تقرب به یک دیدگاه است برای ساماندهی به یک برنامه. به همین جهت، رویکرد، نقطه اتصال برنامه به مبانی معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی و منعکس‌کننده آن مبانی در یک برنامه است. در برنامه تعلیمی و تربیتی، انسان موضوع ماست و دیدگاه اسلام درباره انسان مبنایی است که تعلیم و تربیت با رهیافت و تقرب بدان، راه خود را می‌یابد و پیش می‌برد. در دیدگاه اسلام نسبت به انسان، «فطرت» نقش محوری دارد و همه مباحث انسان‌شناسی اسلامی به گونه‌ای به این اصل باز می‌گردد. شهید مطهری می‌گوید: «معرفت به فطرت، ام‌المعارف اسلامی است». فطرت به معنای نوع خاص خلقت انسان است. این خلقت خاص، اوصاف و ویژگی‌های ذاتی به انسان بخشیده که او را از موجودات و مخلوقات دیگر متمایز می‌کند و استعدادها، گرایش‌ها، توانایی‌ها و غایات ویژه‌ای به او می‌بخشد. دین که راه سعادت و کمال انسان است، بر این فطرت بنا شده و در نسبت با آن نازل گردیده است.

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ».

پس روی خویش را به سوی دین یکتاپرستی فرا دار، درحالی که از همه کیش‌ها روی برتافته و حق‌گرا باشی، به همان فطرتی که خدا مردم را بر آن آفریده است. آفرینش خدا را دگرگونی نیست، این است دین راست و استوار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. بنابر معارف دینی، هر انسانی با فطرتی پاک به دنیا می‌آید و تنها طریقی که می‌تواند انسان را به فلاح و رستگاری برساند و استعدادهای واقعی‌اش را شکوفا سازد، طریق سازگار با فطرت و منطبق بر آن است. همچنین، مطابق با معارف دینی، مهم‌ترین ویژگی فطری انسان، گرایش به توحید، عبودیت خدای یگانه و معرفت الله است. فطرت انسان، فطرتی توحیدی است؛ بدین معنا که هم خود را وابسته به خالق می‌داند که منبع و سرچشمه همه خیرها و کمالات است و هم گرایشی به او- که گرایش به سوی همان خوبی‌ها و زیبایی‌هاست- در ضمیر خویش احساس می‌کند. دین اسلام، آمده تا این فطرت توحیدی را در همه ابعاد شکوفا کند و شخصیتی توحیدی از انسان بسازد. به علاوه، رسیدن به بینش توحیدی در باب جهان و انسان- که به تعبیر استاد شهید مطهری، به معنای درک ماهیت «زاوی» و «به سوی اویی» جهان و انسان است- زیربنا و محور برنامه هدایتی اسلام است که همه اجزا و مؤلفه‌های این برنامه را شکل و جهت می‌دهد:

«صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً».

فطرت گرایی توحیدی در تعلیم و تربیت، رهیافتی بلیادی است که ابعاد مختلف هدایت دینی را شکل می‌دهد:

✓ بنابراین رهیافت، جهان مجموعه‌ای یکپارچه، مرتبط به هم و دارای پیوندی وثیق است که در نسبت با خدا معنا می‌یابد. هویتی زنده و شخصیتی واحد دارد و وحدت خود را در نسبت با حقیقت واحد بی‌نهایتی که از جانب او آمده، کسب می‌کند.

✓ علاوه بر این، این مجموعه یکپارچه واحد، بازگشتی به سوی او دارد. البته بازگشت انسان، بازگشتی ویژه خود و متناسب با شأن و منزلت وی است. «واقعیت تکاملی انسان و واقعیت تکاملی خلقت، واقعیت «به سوی اویی» است. هرچه رو به سوی او ندارد، باطل و بر ضد مسیر تکاملی خلقت است».

✓ ثمره توجه به فطرت توحیدی در هدایت، تحقق مراتبی از توحید عملی در شخصیت انسان‌هاست. نفی آلهه درونی و بیرونی، جهت‌گیری همه قوای روحی و جسمی به سمت تقرب الی الله و سرانجام، رسیدن به وحدت شخصیت، حقیقت توحید عملی است. اخلاص، تعبیر دیگری از توحید عملی است. «تأثیر و نفوذ خداشناسی در انسان مراتب و درجات دارد و تفاوت انسان‌ها از نظر کمال انسانی و قرب به خداوند به این درجات بستگی دارد و همه اینها «صدق» و «اخلاق» نامیده می‌شوند؛ یعنی همه این درجات، درجات صدق و اخلاص است».

✓ میوه توحید نظری و توحید عملی در افراد جامعه اسلامی، برپایی توحید اجتماعی و شکل‌گیری جامعه‌ای است که نظامات و مقررات آن، برنامه‌ها و فعالیت‌های آن به خاطر خدا و برای اطاعت از اوامر اوست؛ یعنی همه فعالیت‌های اجتماعی جهتی واحد دارند که همان رضایت الهی و اطاعت از اوست.

✓ نظام تعلیمی و تربیتی اسلامی (هدایت اسلامی) نظامی است که به تحقق توحید در اندیشه و عمل انسان‌ها می‌انجامد. به عبارت دیگر، خود برنامه نیز برنامه‌ای توحیدی است، به گونه‌ای که همه ابعاد و اجزای آن در هماهنگی و وحدت کامل قرار دارند و هدفی واحد را که پرورش انسان متعهدی است، دنبال می‌کنند.

۲- اصول حاکم بر برنامه تعلیم و تربیت دینی دوره دوم متوسطه:

اصول ویژه:

محور قرار گرفتن قرآن کریم و سنت و سیره معصومان (ع): این اصل که برگرفته از مبانی تعلیم و تربیت دینی است، بر همه مراحل برنامه، به خصوص موارد زیر حاکم است:

اول: اهداف کلی و پایه‌های تحصیلی؛ **دوم:** تدوین محتوا و رسانه‌های آموزشی؛ **سوم:** تعیین اولویت‌های آموزشی؛ **چهارم:** روش‌های تعلیمی و تربیتی.

تنظیم محتوا در چهارچوب برنامه نظری و عملی زندگی، متناسب با حضور در دنیای امروز: یکی از ضرورت‌های تربیت دینی قرار دادن راه عملی و برنامه زندگی پیش روی نسل امروز است؛ نسلی که می‌خواهد در دنیای امروز مذهبی زندگی کند؛ یک زندگی عزت‌مند که نه تنها احساس حقارت و کمبود شخصیت نکند، بلکه با سربلندی حضور مؤثری در جامعه داشته باشد و به رضایت درونی برسد. این آموزش باید با زندگی دانش‌آموز عجین شود و با آن درآمیزد و از طریق نمونه‌های عینی و مصادیق ملموس، جنبه عملی و کاربردی تعالیم دینی تقویت شود.

استفاده از شیوه‌های بیدارگری وجدان و نفس لواحه: با پیروی از قرآن کریم و با توجه به پاک بودن فطرت نوجوان و جوان، بخشی از آموزه‌های دینی در قالب‌هایی عرضه شود که وجدان را برانگیزاند و توجه نفس لواحه را به آن آموزه‌ها جلب کند.

توازن در پرورش روحیه تعبد، تعقل و تعلق قلبی: قرآن کریم نسبت انسان با خدا و دستورات الهی را در سه مرتبه طرح می‌کند: **اول:** انجام تکلیف و اطاعت از خداوند براساس قبول رابطه بندگی و اعتماد مطلق به خداوند و تسلیم در برابر خواست‌های او؛ توجه به اوامر و نواهی خداوند و قبول آنها براساس اعتقاد به مالکیت مطلق خداوند بر جهان و انسان. **دو:** همین انسان که عمل را از سر اطاعت مطلق انجام می‌دهد، در تحلیل عقلی درمی‌یابد که اوامر و نواهی الهی بنا بر مصالحی است که کمال و رشد انسان را تضمین می‌کند. این تصدیق عقلی کیفیت عمل را تعالی می‌بخشد و اعتماد شخص را افزایش می‌دهد. **سه:** همین انسان از زاویه‌ای دیگر به خدا که جمال و کمال مطلق است، عشق می‌ورزد و او را مقصد و مقصود و محبوب خود می‌یابد و می‌کوشد رضایت‌خاطر دوست را فراهم کند. پس هر کاری را که محبوب دوست دارد، انجام می‌دهد و از آنچه دوست از آن متنفر است، دوری می‌کند. این سه بُعد نه تنها با یکدیگر تنافر ندارند، بلکه مکمل و متمم یکدیگرند و به میزانی که انسان به کمال برسد، توانایی او در جمع این سه بُعد افزایش می‌یابد. تبیین دین با توجه به این سه بُعد، معقولیت دین را روشن می‌کند؛ زیبایی‌های آن را عیان می‌سازد و تعبد در پیشگاه خداوند را تضمین می‌کند.

ایجاد طلب و تشنگی در مخاطب: پیش از عرضه معارف، ایجاد طلب و تشنگی در مخاطب ضروری است. اگر وی به این معارف احساس نیاز نکند، به سوی آن روی نخواهد آورد و شاهد و شیرینی آن را نخواهد چشید. چنین مخاطبی، به شخصی می‌ماند که با احساس سیری کاذب بر سر سفره‌ای رنگین نشسته و به هیچ‌یک از غذاها میل ندارد. نباید چنین اندیشید که باید از فرصت استفاده کرد و همه چیز را به دانش‌آموز گفت. این سیرایی، در واقع، سراب است. باید شرایطی فراهم کرد که دانش‌آموز احساس نیاز کند و با طلب درونی به سوی معارف دینی روی آورد.

آب کم جو تشنگی آور به دست // تا بجوشد آبت از بالا و پست

فراهم کردن فرصت تأمل با خود: تربیت دینی با میل و کشتی در قلب آغاز می‌شود. این میل و کشش نیز آنگاه پدید می‌آید که مخاطب فرصت تأمل و درون‌کاوی خود را پیدا کند و گرایش‌های فطری به زیبایی‌های دینی در خودآگاه وی ظاهر شود. در این تأملات، زیبایی‌های دین لمس می‌شود و از درون وی انگیزه‌ای به سوی معارف دینی پدیدار می‌شود.

برقراری ارتباط و تعامل میان مباحث نظری و عملی: مباحث نظری و مباحث عملی (اخلاق و احکام) باید به‌گونه‌ای طرح شوند که پیوند میان آنها نشان داده شود. همانگونه که میان قوه تفکر و تعقل انسان با عمل و رفتار او رابطه‌ای وجود دارد و در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، مباحث نظری و عملی هم نباید به صورت بخش‌هایی مجزا و بی‌ارتباط طرح شوند. این امر سبب می‌شود دانش‌آموز درک کند که مباحثی مانند خداشناسی، معاد و نبوت تأثیری ملموس و روشن در زندگی و رفتار وی دارد.

ترسیم سیمای معقول و زیبای دین: ذات دین در نهایت معقولیت و زیبایی است، زیرا هم از جانب خدای حکیم و جمیل آمده و هم راه‌هدایتی است که نه تنها قوه نظری و عقلی انسان را به کمال می‌رساند، بلکه به او

شخصیتی با زیبایی‌های معنوی می‌بخشد. گاهی این دین زیبا و معقول، با کج‌سلیقگی‌ها و افراط و تفریط‌هایی روبه‌رو شده و به‌گونه‌ای معرفی گردیده که برای مخاطب جاذبه چندانی نداشته است. معارف نظری دین باید همانگونه که هستند، در نهایت اتقان و استحکام عقلی و عملی عرضه شوند که عقل را اقناع کنند و احکام و دستورات عملی آن نیز باید به صورتی طرح شوند که یک زندگی بسیار زیبا و جذاب را برای مخاطب ترسیم کنند.

اجتناب از طرح غیر ضروری تشکیک و شبهه: از طرح تشکیک و شبهه در مسایل دینی تا حد امکان پرهیز شود، زیرا طرح تشکیک و شبهه دانش‌آموز را از عصمت فطری‌اش خارج می‌کند. بهتر است موضوعاتی مانند خدا، معاد و نظایر آن را به عنوان اصل موضوع گرفت و تصویری صحیح، زیبا و جذاب از آن ارائه کرد، به نحوی که نوجوان احساس کند با درک و پیوند با این حقایق اشباع می‌شود و احساس نشاط و اطمینان می‌کند. در موارد ضروری در سال‌های آخر دوره متوسطه باید به طور غیر مستقیم به دفع شبهات پرداخت. این کار باید در چارچوب دادن آگاهی عمیق، جامع و مستقل صورت گیرد. با تقویت ایمان دینی و علاقه و اشتیاق برای عمل به فرایض و نیز شناخت صحیح معارف و تعلیمات دینی زمینه‌ای فراهم می‌آید که دانش‌آموز در برخورد با شبهه متزلزل نشود و خود در صدد حل آن برآید.

اولویت دادن به بیان امور مثبت: مقدم داشتن امور مثبت دین مثل توحید و فضایل پیامبران بر امور منفی مانند شرک و ظلم، تا بدین وسیله ظرف روح دانش‌آموز از حقایق دینی سیراب و اشباع گردد و آثار توحید در شخصیت نوجوان ظاهر شود. رایۀ تصویری از جهان، انسان و جامعه به نحو مثبت، موافق فطرت دانش‌آموز است و هنگامی که دانش‌آموز با چنین تصویری خو گرفت، غیر آن را نفی می‌کند.

ایجاد روحیۀ حقیقت‌جویی و انصاف در دانش‌آموز: طرح درس به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموز به تحقیق و کاوش درباره اصول زندگی انسانی برانگیخته شود و با فراگیری روش تحقیق علمی و رعایت انصاف امکان بیشتری برای رسیدن وی به حقیقت فراهم شود.

پیراستن دین از خرافه‌ها و طرد عادات و رسوم اجتماعی نادرست از ساحت دین: خرافه‌زدایی از دین و پیراستن آن و سنن غلط اجتماعی با تکیه بر معارف قرآن کریم و سیره معصومین (ع) و مشی تربیت‌یافتگان ائمه بزرگوار، به نحو دقیق و ظریف انجام شود. دقت و ظرافت از آن جهت لازم است که بسیاری از آداب و سنن اجتماعی گرچه ممکن است از دین گرفته نشده باشند؛ اما با دین تعارضی ندارند و حفظ آنها سبب وحدت ملی و همبستگی می‌شود و موافق طبع اقوام یک سرزمین است. بنابراین ابتدا باید آداب و سنن غلط از آداب و سنن صحیح تفکیک شوند و سپس تعارض آداب و سنن غلط با دین روشن شود. اگر به آداب غلط اجتماعی، به نام دین بها داده شود، حقیقت دین مسخ می‌شود و دیگر قابل قبول برای انسان اندیشمند و فهیم نیست.

تکیه بر فطری بودن اصول دین و غیر طبیعی بودن انکار آنها: از آنجا که اصول اعتقادی هماهنگ با فطرت انسان و نیز برهان و استدلال است و نقیض آنها باطل و غیر عقلانی است، حتی‌الامکان طرح درس به گونه‌ای باشد که طرح سؤال بر ناحیۀ مقابل این اصول وارد شود تا ناسازگار بودن انکار این اصول با فطرت و عقل انسانی و غیر عادی بودن چنان برداشت‌هایی آسان‌تر تفهیم گردد.

ارایۀ برنامه جامع اخلاقی و سلوک فردی و اجتماعی در حد انسان متعارف: آموزش اخلاقی باید یکی از ارکان اصلی آموزش دین باشد. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بعثت لأتمم مکارم الأخلاق». آنچه در اینجا باید

مد نظر قرار گیرد، ارایه یک برنامه عملی در اخلاق و سلوک فردی و اجتماعی است که غایت آن کمال فردی و به فعلیت رسیدن خصایل معنوی و کمالات نفسانی است. در این صورت دانش‌آموزی که انگیزه وصول به حقیقت در او ایجاد شده، می‌داند که چگونه عمل کند تا کمال یابد. یکی از نکاتی که در این باره باید در کتاب رعایت شود، گرایش اصلی به بیدارگری وجدان است، به نحوی که دانش‌آموز در یک مباحثه و گفت‌وگوی درونی به ندای نفس لوازمه پاسخ مثبت دهد. این بیداری وجدان باید در چارچوب مشخصی باشد تا محدوده کار برای معلم معین باشد. علاوه بر این، می‌توان مباحث اخلاقی را در ضمن بیان جذاب و شیرین سیره معصومان و تربیت‌یافتگان مکتب وحی ارائه کرد، تا تأثیرگذاری آن مباحث بیشتر شود.

 **ترسیم فضای مناسب مذهبی در آموزش:** شیوه حاکم در ارائه درس‌ها به صورتی باشد که دانش‌آموز احساس کند در یک جامعه مذهبی حضور دارد و نسبت به جامعه خودش دارای وظیفه است و یا عادات مذهبی آن جامعه آشناست. جامعه‌ای که در محله آن مسجد است، صدای اذان به گوش می‌رسد، شب‌های جمعه در محله مراسم دعا برگزار می‌شود، روز جمعه در شهر نماز جمعه خوانده می‌شود؛ به یکدیگر سلام می‌کنند، در عزای حسینی شرکت می‌نمایند؛ اعیاد دینی را جشن می‌گیرند؛ در معامله و تجارت انصاف و جوانمردی را بر خدعه و دروغ، معنا و حقیقت را بر دنیا و ظواهر ترجیح می‌دهند؛ هر کاری را برای خدا انجام می‌دهند؛ نماز را در مساجد و در اول وقت می‌خوانند؛ با قرآن انس دارند؛ یار ستم‌دیده و دشمن ظالم‌اند، حقیقت‌طلب و با انصاف‌اند، به اهل بیت به عنوان محبتان و محبوبان خداوند عشق می‌ورزند؛ رفتار خود را با آنان تطبیق می‌دهند؛ از دیدن منکراتی چون ظلم، تجاوز، بی‌عفتی و سایر رذایل اخلاقی متنفر می‌شوند و از دیدن امور معروفی چون عدل، پاکدامنی و سایر فضایل اخلاقی مسرور می‌گردند. در عین حال، باید آموزش به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز بتواند این فضای آرمانی را با فضای واقعی مقایسه کند و فضای واقعی را نقد نماید. این امر سبب می‌شود که انگیزه وی برای حرکت به سمت فضای آرمانی و تغییر و اصلاح وضع موجود افزایش یابد.

 **توجه به تقویت خصلت اجتماع‌گرایی و تعهد در مقابل جامعه:** برنامه درسی لازم است در جهت رشد اجتماعی دانش‌آموز قرار بگیرد و بتواند اجتماع‌گرایی و تقدم مصالح جامعه بر مصالح فرد و قانون‌پذیری را القا کند، به طوری که با ورود دانش‌آموز به صحنه عمل اجتماعی نقش خود را به عنوان یک شهروند با کفایت و حافظ معیارها و ارزش‌های اسلامی در جامعه ایفا نماید. وی باید متعهد به میثاق‌ها و تعهدات اجتماعی باشد و از عادات و رفتارهای ناپسند اجتماعی اجتناب نماید و نسبت به آنها متنفر باشد؛ در رعایت اصل مهم امر به معروف و نهی از منکر کوشا باشد و خلق و خوی کریمانه اسلامی را در جامعه از خود بروز دهد.

 **ایجاد آمادگی در دانش‌آموز برای حفظ هویت اسلامی خود در شرایط نامناسب:** آموزش به نحوی تنظیم شود که ناظر بر واقعیات و ابتلائات اخلاقی و فرهنگی باشد و دانش‌آموز به نحوی آموزش ببیند که آمادگی برخورد مناسب و سنجیده با شرایط نامساعد را داشته باشد و به آن شرایط تن در ندهد. به عبارت دیگر آموزش نباید متناسب با شرایط ایده‌آل خالی از هرگونه مشکل تنظیم شود.

 **تأکید بر دادن جهت الهی و غیر مادی به اعمال و رفتار:** این نکته باید به نحوی غیر مستقیم و ظریف آموزش داده شود که ارزشمندی اعمال انسان در غایت و هدف آنهاست. حقارت و بزرگی انسان در کوچکی و بزرگی غایات است. کار برای خدا و غایات الهی چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی و درک مقاصد بلند سبب ارتقای کیفی زندگی می‌شود و انسان را از روزمرگی و توجه به امور پست نجات می‌دهد.

تقویت غیب‌باوری در دانش‌آموز: از آنجا که مبنای ایمان مذهبی، ایمان به غیب است و جهان‌بینی مذهبی به تمام معنا یک جهان بینی غیب‌باورانه است، تلاش در جهت تقویت هرچه بیشتر غیب‌باوری معقول و البته غیر خرافی در اندیشه و نگرش دانش‌آموزان باید از محورهای عمده و اصلی آموزش‌های دینی قرار گیرد.

سمت‌گیری آموزش در جهت وحدت اسلامی: برنامه باید در جهت تقویت وحدت اسلامی و نزدیک شدن پیروان مذاهب مختلف اسلامی به یکدیگر مؤثر باشد و مودت و رحمت میان آنان را استحکام بخشد. به همین دلیل باید از تعارضات و کشمکش‌های بی‌مورد فکری دوری کرد و محور آموزش را بر تعلیمات قرآن کریم و سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت بزرگوار که محبوب قلوب مسلمین‌اند، قرار داد.

تعمیم آموزش در حیطه‌های شناخت و بینش، باورها و گرایش‌ها، عمل و رفتار:

الف) این آموزش در سه حیطه شناخت و بینش، باورها و گرایش‌ها، عمل و رفتار صورت می‌گیرد، به‌نحوی که با آموزش در هر سه حیطه، شناخت معارف اسلامی و ایمان و عمل به آنها تقویت شود. با توجه به اینکه تقویت ایمان از اهداف اصلی آموزش است، باید علاوه بر آموزش صحیح معارف دینی، با فراهم کردن زمینه‌های عملی و انگیزه‌های درونی، به آموزش‌های حیطه عاطفی و رفتاری نیز توجه کامل شود تا زمینه رسوخ و تعمیق شناخت و تبدیل آن به ایمان فراهم آید؛ ب) گرچه ایمان متکی به شناخت صحیح است و در صورت حصول ایمان، انگیزه برای عمل نیز ایجاد خواهد شد، اما عمل به فرایض خود سبب تقویت ایمان و همچنین شناخت می‌گردد؛ بنابراین ترتیب این سه، به معنای ترتیب زمانی نیست؛ یعنی لازم نیست حتماً در مرتبه اول آموزش عقلانی داده شود تا ایمان تقویت گردیده و عمل به دنبال آن آید؛ بلکه با توجه به ویژگی‌های سنی دانش‌آموز لازم است با فراهم کردن زمینه‌های عملی و انگیزه‌های عاطفی، بر تقویت و تعمیق ایمان و ایجاد علاقه و اشتیاق به عمل تأکید شود؛ ج) مقصود از حیطه اعمال و رفتار در اینجا، فراتر از آن معنایی است که به طور متعارف مراد است؛ زیرا عمل و رفتار صالح دینی خود می‌تواند تقویت‌کننده ایمان و شناخت باشد؛ همانطور که عمل ناشایست قلب را تاریک می‌کند و غفلت را تقویت می‌نماید. علاوه بر این عمل صالح در آموزش دینی نتیجه صریح و مستقیم آموزش نیست؛ بلکه غایتی است که مجموعه آموزش حصول به آن را تعقیب می‌کند. البته در مواردی نیز همان مقصود متعارف مورد نظر است؛ مثلاً وقتی استدلالی در خداشناسی بیان گردید، دانش‌آموز باید قادر باشد همان استدلال را به کار گیرد و با ذکر مقدمات به نتیجه برسد.

حضور اندیشه‌های حضرت امام خمینی (قدس سره) در کالبد محتوای آموزش: اندیشه‌های حضرت امام

خمینی که معمار بزرگ نظام اسلامی در عصر حاضر است، باید در همه مراحل آموزش و محتوای کتاب‌های درسی حضور داشته باشد. استفاده از پیام‌ها، سخنرانی‌ها و کتاب‌های ایشان و آوردن مصادیق و نمونه‌ها و شواهد از آنها و نیز ارجاع دانش‌آموز به این آثار در برنامه‌های تحقیقی خود، سبب توجه دانش‌آموزان به اندیشه‌های آن بزرگوار است.

بهره‌مندی از دستاوردهای عالمان دین: در تدوین و تبیین آموزه‌های دینی، باید از منبع غنی علوم و

فرهنگ اسلامی که فرزندان علم و تقوا در طول چند قرن تمدن اسلامی با مجاهدت خود فراهم ساخته‌اند، استفاده شود و دستاوردهای علمی‌ای که دانشمندان اسلامی معاصر در جهت ارایه اسلام ناب در جهان امروز عرضه کرده‌اند، به خصوص آثار فرهنگی حضرت امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، علامه طباطبایی و شهید مطهری - رحمه الله علیهم - و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی فرا راه حرکت‌های آموزشی قرار گیرد.



نمونه سؤالات ارزشیابی دبیر حکمت و معارف اسلامی



۱- ذهن انسان از طریق به دنبال کشف است و بازتاب این تمایل ذهن است.

(۱) استدلال - روابط علی و معلولی - کلمه «چرا» (۲) رابطه علت - واقعیت‌ها - کلمه «چرا»

(۳) استدلال - ماهیات امور - سؤال از هستی (۴) رابطه علت - آثار اشیا - سؤال از چیستی

۲- دکارت، هیوم و اکثر تجربه‌گرایان به ترتیب علت را چگونه می‌دانستند؟ (ابژکتیو = عینی، سوبژکتیو = ذهنی)

(۱) سوبژاکتیو - ابژکتیو - ابژکتیو (۲) ابژکتیو - ابژکتیو - سوبژکتیو

(۳) سوبژکتیو - سوبژکتیو - ابژکتیو (۴) ابژکتیو - سوبژکتیو - ابژکتیو

۳- اگر کسی بگوید: «بنا بر آنچه تاکنون تجربه کرده‌ایم علت‌های خاص معلول‌های خاص دارند و درباره آینده

TEST

0000

نمی‌توان نظری اعلام کرد»، درباره اظهارنظر کدام عبارت دقیق‌تر است؟

(۱) پس برای دانستن این که هر علتی چه معلولی دارد باید از تجربه کمک بگیریم.

(۲) اصل علت را بدون سنخیت و ضرورت پذیرفته است.

(۳) اصل علت را یک اصل تجربی و غیر عقلی می‌داند.

(۴) هرچند علت را اصلی عقلی می‌داند اما آن را بی‌نیاز از تجربه نمی‌داند.

۴- زمانی که فردی بپرسد: علت سردرد من چیست؟ کدام عبارت درباره این سؤال و پاسخی که می‌توانیم به او

TEST

0000

بدهیم، درست نیست؟

(۱) سؤالی پرسیده است که بدون پذیرفتن سنخیت قابل پاسخگویی نیست.

(۲) پاسخی که به این سؤال داده می‌شود به پشتوانه اصلی عقلی است.

(۳) پاسخ این سؤال به کمک تجربه و از طرق تجربی بیان می‌شود.

(۴) پاسخ این سؤال را با اصول عقلی و فلسفی می‌توان بیان کرد.

۵- اگر اصل علت را به صورت «اگر معلول وجود داشته باشد، علت هم موجود است» تعریف کنیم، عکس این قضیه

TEST

0000

شرطی است.

(۱) لزوماً صادق نیست. (۲) بیان دیگری از وجود علل است.

(۳) همان اصل وجوب بخشی است. (۴) همان اصل سنخیت است.

TEST

0000

۶- آن «تداعی ذهنی» که مورد نظر هیوم است؛ یعنی ذهن از تکرار مشاهده پدیده‌های متوالی یا هم‌زمان، هرگاه یکی را دید به یاد دیگری بیفتد.

(۱) روابطی را که قبلاً مشاهده کرده است، به مواردی که هنوز شکل نگرفته‌اند، تسری دهد.

(۲) از زیاد دیدن دو چیز با هم، ارتباطی را بین آن‌ها استنباط کند که تا به حال ندیده است.

(۳) با دیدن یک شیء روابطی را که معمولاً آن شیء را به وجود می‌آورند، تصور و توهم کند.

(۴) با دیدن یک شیء روابطی را که معمولاً آن شیء را به وجود می‌آورند، تصور و توهم کند.

پاسخ‌نامه‌ی کلیدی

سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ
				۱۶۱	۳	۱۲۱	۴	۸۱	۲	۴۱	۱	۱	۱
				۱۶۲	۱	۱۲۲	۳	۸۲	۴	۴۲	۴	۲	۲
				۱۶۳	۳	۱۲۳	۱	۸۳	۴	۴۳	۳	۳	۳
				۱۶۴	۳	۱۲۴	۲	۸۴	۳	۴۴	۲	۴	۴
				۱۶۵	۲	۱۲۵	۳	۸۵	۲	۴۵	۲	۵	۵
				۱۶۶	۴	۱۲۶	۱	۸۶	۴	۴۶	۲	۶	۶
				۱۶۷	۱	۱۲۷	۲	۸۷	۲	۴۷	۲	۷	۷
				۱۶۸	۲	۱۲۸	۲	۸۸	۱	۴۸	۲	۸	۸
						۱۲۹	۴	۸۹	۱	۴۹	۲	۹	۹
						۱۳۰	۴	۹۰	۳	۵۰	۱	۱۰	۱۰
						۱۳۱	۱	۹۱	۲	۵۱	۳	۱۱	۱۱
						۱۳۲	۲	۹۲	۳	۵۲	۴	۱۲	۱۲
						۱۳۳	۱	۹۳	۳	۵۳	۱	۱۳	۱۳
						۱۳۴	۳	۹۴	۴	۵۴	۲	۱۴	۱۴
						۱۳۵	۲	۹۵	۱	۵۵	۱	۱۵	۱۵
						۱۳۶	۳	۹۶	۳	۵۶	۳	۱۶	۱۶
						۱۳۷	۳	۹۷	۴	۵۷	۴	۱۷	۱۷
						۱۳۸	۴	۹۸	۳	۵۸	۱	۱۸	۱۸
						۱۳۹	۲	۹۹	۴	۵۹	۱	۱۹	۱۹
						۱۴۰	۴	۱۰۰	۳	۶۰	۴	۲۰	۲۰
						۱۴۱	۱	۱۰۱	۳	۶۱	۳	۲۱	۲۱
						۱۴۲	۳	۱۰۲	۴	۶۲	۳	۲۲	۲۲
						۱۴۳	۳	۱۰۳	۱	۶۳	۳	۲۳	۲۳
						۱۴۴	۲	۱۰۴	۲	۶۴	۲	۲۴	۲۴
						۱۴۵	۲	۱۰۵	۳	۶۵	۳	۲۵	۲۵
						۱۴۶	۳	۱۰۶	۴	۶۶	۱	۲۶	۲۶
						۱۴۷	۳	۱۰۷	۱	۶۷	۳	۲۷	۲۷
						۱۴۸	۳	۱۰۸	۱	۶۸	۱	۲۸	۲۸
						۱۴۹	۲	۱۰۹	۳	۶۹	۲	۲۹	۲۹
						۱۵۰	۴	۱۱۰	۲	۷۰	۳	۳۰	۳۰
						۱۵۱	۲	۱۱۱	۲	۷۱	۱	۳۱	۳۱
						۱۵۲	۳	۱۱۲	۴	۷۲	۳	۳۲	۳۲
						۱۵۳	۴	۱۱۳	۴	۷۳	۳	۳۳	۳۳
						۱۵۴	۲	۱۱۴	۲	۷۴	۱	۳۴	۳۴
						۱۵۵	۲	۱۱۵	۱	۷۵	۱	۳۵	۳۵
						۱۵۶	۲	۱۱۶	۴	۷۶	۱	۳۶	۳۶
						۱۵۷	۲	۱۱۷	۳	۷۷	۱	۳۷	۳۷
						۱۵۸	۳	۱۱۸	۲	۷۸	۱	۳۸	۳۸
						۱۵۹	۳	۱۱۹	۳	۷۹	۲	۳۹	۳۹
						۱۶۰	۴	۱۲۰	۲	۸۰	۲	۴۰	۴۰